



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
دوشنبه
۱۷ دی ۱۴۰۳ • ۵ رجب ۱۴۴۶ • 6 January 2025
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و سه
www.asrghanoon.ir

وعده‌های اقتصادی دولت: توپ هم یا واقعیست؟

دولت در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، وعده‌های بسیاری به مردم داده است، اما عمل به این وعده‌ها هرگز محقق نشده و تنها باعث از دست رفتن اعتماد عمومی به مسئولین می‌شود

منطق مقاومت انقلاب مبتنی بر آگاهی بخشی است



جریان مقاومت بر حسب نوع مواجهه دشمن تغییر می‌کند. ممکن یک جایی مقاومت نظامی باشد، ممکن است یک جایی مقاومت از سنخ اقتصادی باشد که در آنجا به تعبیر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی خواهیم داشت.

۳

موازنه قدرت برعهده‌یمنی‌هاست



این اماکن عبادی و مقدس را کانون اصلی قدرت در دولت اسلامی توصیف کرد، چرا که این مراکز و اماکن به تقویت باورها و اعتقادات دینی مردم و نسل جدید کمک شایان توجهی می‌نمایند.

۴

سیاست انزوای ایران توسط آمریکا شکست خورد



توانمندی جهانی اقتصاد و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران با داشتن منافع قوی نفت و گاز به توانمندی سازمان بریکس می‌افزاید و به حل مشکلات ناشی از تحریم‌های یک جانبه و ظالمانه آمریکا علیه ایران می‌انجامد.

۴

تصویب اعتبارات بودجه‌ای برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران انرژی



مهم‌ترین موضوع ناترازی در کشور ناترازی انرژی به دلیل کمبود سوخت نیروگاه‌ها و فرآورده‌های نفتی است که باید نقش سازنده‌ای را در تولید برق و انرژی در نیروگاه‌ها ایفا کنند.

۵

مهربان‌ترین دایه در شاهنامه



بزرگترین کتاب‌های ادبی جهان حتی در حوزه شعر، داستانی هستند و همچنین کتاب‌های مقدس ما ساختارهای داستانی دارند. چون داستان قالبی است که در آن فرصت شخصیت پردازی، تعلیق و اوج و فرود وجود دارد.

توسعه به سبک رضاشاه



تاقیل از دوره پهلوی هویت ایرانی با شاهنامه و گلستان سعدی و حافظ حفظ می‌شد، اما بعد از اینکه نظام آموزشی نوین در ایران شکل گرفت نتوانست این فرهنگ را منتقل کند و یک انتقال تاریخی شکل گرفت.

۷

پزشکیان در زمان انتخابات ریاست جمهور وعده‌های در خصوص موضوعات مثل بنزین؛ اجرای سیاست‌های کلی؛ تاکید بر استفاده از کارشناسان؛ حل مشکل بورس؛ کاهش تورم و حل مسائل معیشتی؛ تک نرخی کردن ارز؛ آزاد سازی قیمت خودرو؛ برقراری عدالت؛ حل مشکلات موجود در حوزه زنان؛ ایجاد وفاق ملی داد و اعتماد مردم را به دست آورد؛ در ادامه هم دولت او نیز در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، وعده‌های بسیاری به مردم داده است، اما عمل به این وعده‌ها هرگز محقق نشده و تنها باعث از دست رفتن اعتماد عمومی به مسئولین می‌شود.

در صفحه ۵ بخوانید



منطق مقاومت انقلاب مبتنی بر آگاهی بخشی است



همان را در فضای جهانی به کار گرفت؛ یعنی مبارزه با نظم سلطه با محوریت آگاهی‌بخشی مردم، ایجاد معنویت، ایجاد اخلاق، همراهی مردم و توده مردم در کف خیابان‌ها و اعتراضات فراخرد مردمی. لذا شما می‌بینید امروز جریان فلسطین موجب شده که آزادی‌خواهان جهان، ظلم‌ستیزان جهان در کشورهای مختلف اعلام از آمریکا و انگلیس و آلمان و حتی در کشورهای خاور میانه رژیم صهیونیستی قیام کنند.

مدل ایرانی مقاومت امروز چه در لبنان و چه در فلسطین و یمن و دیگر گروه‌های مقاومت جا افتاده و جبهه‌های مقاومت بر اساس این مدل رفتار می‌کنند. به تعبیر مقام معظم رهبری اینها نیروهای نیابتی ما نیستند بلکه چون به این باور رسیدند و منطق مقاومت انقلاب اسلامی را پذیرفتند به مقابله با جبهه ظلم می‌پردازند.

آیا مقاومت محدود و منحصر به مقاومت نظامی است یا اینکه در عرصه‌های دیگر نیز قابل جریان است؟

جریان مقاومت بر حسب نوع مواجهه دشمن تغییر می‌کند. ممکن یک جایی مقاومت نظامی باشد، ممکن است یک جایی مقاومت از سنخ اقتصادی باشد که در آنجا به تعبیر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی خواهیم داشت. بر همین اساس باید در حوزه فرهنگ مقاومت فرهنگی شکل بگیرد و حتی در منطق کلان، مقاومت تمدنی شکل بگیرد و بر اساس آن تمدنی به نام اسلام بتواند جایگزین تمدن موجود شود و سلطه تک‌صدایی غرب را از بین ببرد. بنابراین باید توجه داشت مقاومت یک پروژه نیست، یک حادثه نیست، یک عملیات نیست بلکه یک فرایند است که از مرحله‌ای شروع می‌شود و استمرار پیدا می‌کند و جریانی فکری، مردمی و اخلاقی است.

شاه شدند به مقابله و مقاومت پرداختند منتهی مدل مرحوم امام مدلی متفاوتی بود که برآمده از فقه شیعه و آموزه‌های دینی بود. وقتی مرحوم امام بر اساس این مدل می‌خواست با شاه مواجه بشود، نیرو و سرباز نداشت؛ لذا وقتی به ایشان گفتند با یاری چه کسی می‌خواهی با شاه بجنگی، ایشان پاسخ می‌دهد با همین بچه‌هایی که در گهواره هستند. در واقع امام منطق مبارزه‌اش را مبتنی بر حمایت توده مردم قرار می‌دهد و روی آگاهی مردم حساب می‌کند، روی افشاگری نسبت به ظلم حساب می‌کند، روی تربیت نیرو حساب می‌کند، روی ایمان‌گرایی و باور به خدا حساب می‌کند. منطق امام منطق یا پیروزی یا شهادت بود و در این منطق، بر اساس اخلاق رفتار می‌کرد. در واقع در این منطق، سلاح به دست گرفتن اصل نیست بلکه آگاهی مردم، ایمان مردم، اخلاق و حضور حداکثری مردم در صحنه‌ها اصل است.

امام با این مدل پیش می‌آیند و به واسطه پیروی از منطق امام حسین (ع) و همچنین به واسطه افشاگری و آگاهی‌بخشی، مردم را با خود همراه می‌کنند و مردم نیز با حضور حداکثری خود از ایشان حمایت می‌کنند و این منطق موجب می‌شود که رژیم شاه از بین برود و حکومت اسلامی پیروز شود. این در حالی است که منطق مارکسیستی سازمان‌منافقین عملاً نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. اتفاقاً در دوره بعد از انقلاب هم مجدداً منافقین با همان منطق به میدان می‌آیند و اقدام به حمله مسلحانه و ایجاد گروهک می‌کنند ولی باز هم این مدل جواب نمی‌دهد؛ همچنان که این مدل مقاومت، در لبنان و فلسطین هم جواب نداد و رژیم صهیونیستی همواره توانست مناطق مختلفی را تحت اشغال خود قرار دهد. منتهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدلی که توسط مرحوم امام عرضه شد به لبنان تسری یافت و به واسطه شکل‌گیری جنبش‌هایی ماند جنبش امل که پیشتر توسط امام موسی صدر تأسیس شده بود و حزب الله، جریان مقاومت در لبنان مدل مبارزه‌شان را از مدل مارکسیستی و ناسیونالیستی عربی به این مدل تغییر دادند. لذا شما می‌بینید که در سال‌های پس از انقلاب مقوله مقاومت اسلامی توانست جلوی رشد نفوذ رژیم صهیونیستی را بگیرد. اگر آنها یک زمانی صحبت از نیل تا فرات می‌کردند، در اثر تغییر مدل مقاومت، مجبور شدند دور خودشان دیوار بکشند و از خودشان مراقبت کنند که صدمه نبینند.

انقلاب اسلامی جدای از اینکه در مقابل استبداد داخلی یک مدل مقاومت مبتنی بر تراش شیعه و فطرت انسانی ارائه کرد که کارآمد و اثربخش بود، در یک فضای دیگری هم این مدل را عرضه کرد که اهمیت آن بیشتر بود. در واقع امام همان مدل و معیاری را که در مواجهه با هژمونی سلطنت و نظام شاهنشاهی به کار گرفت،

در طول تاریخ کشورهای تحت سلطه زیاد بودند کما اینکه کشورهای سلطه‌گر و انسان‌های سلطه‌گر هم زیاد بودند. لذا در طول تاریخ جدای از برخی کشورها و اقوام که سازش کردند و ظلم پذیرفت، به بسیاری از افراد مختلف می‌توان اشاره کرد که مقاومت کردند تا به قدرت و تاب‌آوری مناسب برسند و شر دشمن را از سر خودشان کم کنند و در نهایت دشمن را از بین ببرند. این گروه‌ها و ملت‌ها رهبران مختلفی داشتند، الگوهای مختلفی برای مقاومت داشتند؛ مثلاً الگوی مهاتما گاندی در مواجهه با سلطه انگلیس یک مدل مشخص است. شاید این مدل مشخص، مواجهه مستقیم و مبارزه مسلحانه نباشد بلکه مبارزه منفی و صوری کردن باشد.

تا قبل از شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی، چه مدل‌هایی برای مقاومت وجود داشت؟ اساساً منطق مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی چه تفاوتی با الگوهای موجود داشت؟

یکی از مدل‌های مشهور مقاومت در برابر ظلم و ستم، مدل مارکسیستی است. وقتی جهان دو تکه شد و یک نظم مارکسیستی و یک نظم کاپیتالیستی و سرمایه‌داری در دنیا شکل گرفت، عمده کشورهای مارکسیستی منطقه‌شان برای مقاومت، منطق مقاومت قشر کارگر علیه قشر سرمایه‌دار بود. خوب این مدل به واسطه حاکمیت شوروی سابق در بسیاری از کشورها نمود پیدا کرد و خیلی از کشورهایی که مقاومت کردند منطقه‌شان منطق مقاومت مارکسیستی بود و با این منطق با ظالم مواجهه پیدا کردند. حتی در کشورهای اسلامی نیز این مدل مقاومت رسوخ پیدا کرد. شما فرض کنید همین لبنان و فلسطینی که امروزه با رژیم صهیونیستی می‌جنگند، در زمان‌های قبل از انقلاب اسلامی مدل مبارزه‌شان با رژیم صهیونیستی عمدتاً مدل مارکسیستی و مدلی چپ بود. این مدل چپ و مارکسیستی یک الزاماتی دارد و عمدتاً مبارزه‌اش مبتنی بر مبارزه سخت و مبارزه مسلحانه است.

در جمهوری اسلامی ایران هم همین منطق توسط سازمان‌منافقین پیگیری شد. خوب آنها می‌خواستند علیه یک هژمونی و قدرتی مثل شاه مقاومت و مقابله کنند ولی هیچ نقشه راه و مدل مبارزه‌ای نداشتند. تلقی آنها این بود که اسلام و فقه شیعه مدل مبارزه با نظام سلطه و ستمگر ندارد و کل فقه شیعه محدود به همین احوالات شخصی مثل نماز و روزه و غسل و مانند آن است و اصلاً به مبارزه و مقاومت نمی‌پردازد. لذا اینها برای اینکه برای خودشان مدل مبارزه درست کنند به منطق مارکسیسم پیوستند و مدل مبارزه‌شان را مارکسیستی کردند. این مدل مبارزه مبتنی بر ترور بود، مبتنی بر ایجاد گروهک و خانه‌های تیمی و مبارزه مسلحانه بود. وقتی مرحوم امام به عنوان یک فقیه و فیلسوف با سلطه‌ای به نام

مفهوم مقاومت یکی از مفاهیمی است که بارها در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته است و رمز پیروزی دین خدا و بهره‌مندی از نصرت پروردگار تلقی شده است. مقاومت علاوه بر اینکه مفهومی دینی و قرآنی است، به گواهی تاریخ عامل بقای یک فرهنگ و تمدن برشمرده می‌شود و استقلال و عزت یک ملت را تضمین می‌کند و منافع آنها را تأمین می‌سازد. از این جهت ضرورت دارد ابعاد مختلف مفهوم مقاومت که در جهان امروز به یک گفتمان حاکم در اندیشه سیاسی اسلام مبدل شده است مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد و ماهیت و فلسفه آن شناخته شود. به همین منظور خبرنگار مهر با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی؛ رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در رابطه با ویژگی‌های الگوی مقاومت انقلاب اسلامی گفت‌وگو کرده است که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید؛

ابتدا بفرمائید مقاومت چه زمانی شکل می‌گیرد و چه هدف و غایتی را دنبال می‌کند؟

مقاومت یک مسئله بشری در طول تاریخ است که در برابر افراد قوی، قدرتمند، مستکبر، مستبد و به تعبیر علم سیاست کسانی که دارای هژمونی هستند اعمال می‌شود. متعلق آن هم معمولاً افراد مستضعف و مظلوم و تحت سلطه هستند. چون افراد قوی، سلطه‌گر و مستبد معمولاً دوست دارند به قدرتش اضافه کنند و مناطق تحت نفوذش را توسعه دهند، این منطق زورگویی، منطق ستمگری و منطق توسعه نفوذ موجب می‌شود که دو سطح ظالم و مظلوم در عالم شکل بگیرد. افراد ظالم و ستمگر نسبت به کسانی که ضعیف هستند و امکانات کمتری دارند فشار می‌آورند و تبعیض و نابرابری ایجاد می‌کنند. در نقطه مقابل، آن کسانی که در موقعیت ضعف قرار دارند باید به گونه‌ای رفتار کنند که هم از ظلم ظالم بر حذر بمانند و هم قدرتشان را در طول زمان افزایش بدهند تا در نهایت از فشارهای افراد قدرتمند مصون بمانند و آسیب نبینند. از این منظر شاید از لحاظ لغوی بتوان مقاومت را تاب‌آوری معنا کرد. چون غرض ظالم از بین بردن مخالفان و نابود کردن و به سلطه کشاندن آنها است، از آن طرف، افراد ضعیف باید تلاش کنند که نابود نشوند و هویتشان را حفظ کنند و برای بقا تلاش کنند و در نهایت، در مواجهه با دشمن تاب‌آوری داشته باشند. به این فرآیند، عنوان «مقاومت» اطلاق می‌شود. طبعاً وقتی صحبت از مقاومت می‌شود، نقطه مقابل آن بی‌خیالی، انفعال، سازش، کوتاه آمدن و ظلم پذیرفتن است. مقاومت یعنی مواجهه اما مواجهه کسی که از قدرت برابر برخوردار نیست. این نوع مواجهه ابزارهای مختلفی دارد و رفتارهای مختلفی را طلب می‌کند.

ملت‌دولت؛ اصلی‌ترین و بارزترین واحد برای تحلیل سیاست است



وی اشاره کرد: جماعت‌ها می‌توانند حالت‌های مختلفی داشته باشند و جماعت طبیعی می‌تواند راهگشای مناسبی برای درک این موضوع باشد.

رضایی‌پناه متذکر شد: در برخورد با هر جماعتی باید به اراده‌ها و منافع اقتصادی و اجتماعی توجه کرد و بررسی کرد که چه عواملی در ساختار حاکمیتی یا نظم جهانی به وجود آورنده آن جماعت بوده‌اند. برای درک بهتر هر جماعت، باید پرسید که چه کسی از آن سود می‌برد و چه عواملی باعث افزایش قدرت آن جماعت نسبت به دیگران می‌شود؟

وی با اشاره به تأثیر برجسته کردن یا به حاشیه راندن بر قدرت و ساختارهای اجتماعی گفت: در تحلیل درگیری‌های سیاسی، باید به اقتصاد سیاسی و روابط قدرت توجه کرد. در بررسی منازعات مرتبط با جماعت‌ها، باید به دو جنبه ایجابی و سلبی پرداخت و به تحلیل شبکه‌های قدرت و منافع پشت این منازعات بپردازیم. این تحلیل می‌تواند به درک بهتر از ساختارهای اجتماعی و سیاسی کمک کند.

تفاوت اصلی میان جامعه و جماعت در حجم پایداری روابط نهفته است

این پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به تفاوت‌های میان جماعت و جامعه، بر اهمیت پایداری روابط در این تفاوت‌ها تأکید و بیان کرد: اگر جماعت‌ها به ملت و دولت‌ها تبدیل شوند، این یک ادعای بزرگ است و به نوعی به جماعت‌گرایی اشاره دارد. تفاوت اصلی میان جامعه و جماعت در حجم پایداری روابط نهفته است.

وی با تأکید بر اهمیت مشخص کردن تفاوت واحد ملی و جماعت تصریح کرد: بنده اگر گفته شود ملت دولت یک جامعه توسعه‌یافته است، با این نظر موافق هستم، اما در مورد جماعت و جامعه، با این دیدگاه همراه نخواهم بود.

رضایی‌پناه با اشاره به تفاوت‌های میان جماعت و جامعه و نقش هیبرارشی در شکل‌گیری آن‌ها اظهار کرد: جماعت‌ها به دلیل عدم وجود یک ساختار قدرت مرکزی و هیبرارشی، مبتنی بر آنارشیه هستند و نمی‌توانند به شکل یک جامعه منسجم و سازمان‌یافته درآیند.

وقتی قدرت مرکزی نتواند هژمونی خود را القا کند، جماعت‌ها

و می‌توان به مثال‌های تاریخی مختلفی اشاره کرد که جماعت‌ها بدون پشتوانه‌های دینی یا تاریخی شکل گرفته‌اند. برای درک بهتر جماعت‌ها، باید به خط و ربط قدرت و همچنین تاریخ‌شناسی و تبارشناسی آن‌ها توجه شود.

این پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی به مفهوم جماعت‌ها و نقش آن‌ها در ساختارهای اجتماعی و سیاسی پرداخت و عنوان کرد: جماعت‌ها در نهایت برآیند یک نهاد هستند و این نهاد می‌تواند دولتی یا اجتماعی باشد. اگر نهاد به یک نهاد اجتماعی یا تاریخی تبدیل شود، مانند خانواده یا مذهب، به امری طبیعی تبدیل می‌شود که می‌تواند اجماع ایجاد کند.

جماعت‌ها بیشتر از سطح جامعه مدنی یا گروه‌های فشار نمی‌توانند فعالیت کنند

وی تأکید کرد: جماعت‌ها به سادگی نمی‌توانند وارد تحلیل‌های سیاسی شوند. ملت دولت به عنوان اصلی‌ترین و بارزترین واحد برای تحلیل سیاست است که با وجود تحولات، همچنان ملت دولت مهم‌ترین نماد برای تحلیل سیاسی باقی مانده است و جماعت‌ها از این پتانسیل برخوردار نیستند. رضایی‌پناه با بیان اینکه جماعت‌ها می‌توانند به عنوان بخشی از جامعه مدنی یا گروه‌های فشار عمل کنند و تأثیرگذار بر منافع جزئی در درون دولت ملت باشند، گفت: بنیادگراها و جماعت‌های اسلامی ممکن است در درون یک ملت عمل کنند اما الزاماً محدود به دولت‌های ملی نیستند. جماعت‌ها بیشتر از سطح جامعه مدنی یا گروه‌های فشار نمی‌توانند فعالیت کنند.

وی از ایده لیبرالیسم کلاسیک و تأثیرات آن بر اقتصاد گفت و بیان کرد: لیبرالیسم کلاسیک به طور خاص به بازار آزاد و نقش دولت در اقتصاد توجه دارد. با فاصله گرفتن از اصول برتون وودز، این ایده‌ها بیشتر به چالش کشیده می‌شوند و به نوعی اوج می‌گیرند. یکی از وظایف دولت در این چارچوب، فراهم کردن شرایط لازم برای فعالیت‌های اقتصادی، مانند حفاری و ایجاد زیرساخت‌ها، است. این نکات نشان‌دهنده تأثیرات عمیق لیبرالیسم کلاسیک بر تفکر اقتصادی و نقش دولت در آن است.

این جامعه‌شناس سیاسی به مقایسه ملت‌ها و دولت‌ها پرداخت و اظهار کرد: ملت‌ها می‌توانند روند طبیعی یا ساختگی داشته باشند، در حالی که تشکیل جماعت‌ها به دلیل سادگی و گردهمایی کمتر، موضوعی بغرنج‌تر به نظر می‌رسد.

برنامه «الفبای سیاست» با موضوع مبانی واحد سیاست، جماعت‌گرایی در سیاست و با حضور دکتر امیر رضایی‌پناه، جامعه‌شناس سیاسی، دانش‌آموخته دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی به روی آنتن رفت.

جماعت، فرآورده‌ای طبیعی است که افراد در آن محاط شده و هویت و معنا خود را از آن می‌گیرند

امیر رضایی‌پناه مفهوم جماعت را به عنوان یک پدیده طبیعی و ارگانیک مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: جماعت چیزی نیست که بتوانیم به‌طور اختیاری بر آن تأثیر بگذاریم، بلکه یک فرآورده طبیعی است که افراد در آن محاط شده و هویت و معنا خود را از آن می‌گیرند.

وی اظهار کرد: جماعت به سادگی به عنوان جمعی از افراد تعریف می‌شود که هویت‌ها، ارزش‌ها و مفاهیم مشترکی دارند و این مشترکات آنها را به یک ما تبدیل می‌کند. این افراد می‌توانند از خاستگاه‌های دینی، فلسفی، اخلاقی و هنجاری مشترک بهره‌مند باشند.

این جامعه‌شناس سیاسی با تأکید بر اینکه جماعت نتیجه تعامل افرادی است که خود را شبیه یکدیگر می‌دانند و حاضرند برای آن جماعت انرژی، زمان و حتی جان و مال خود را فدا کنند، گفت: جماعت یک پدیده طبیعی است و نه یک پدیده تالیسی، به ویژه در نظریه جماعت‌گرایان و موج‌های متأخر آن.

وی با اشاره به مفهوم نو منطقه‌گرایی در زمینه نظام بین‌الملل و ملت‌دولت‌های وستفالیایی عنوان کرد: نویسندگان مانند هنته و سودرپام از سال ۲۰۰۰ به بعد بر این موضوع تأکید دارند که مناطق می‌توانند فراتر از دترمینیسم جغرافیایی و نظم ژئوپلیتیک عمل کنند و گروه‌های همسان، اعم از ملی یا فروملی، می‌توانند در کنار یکدیگر جمع شوند و جماعتی را تشکیل دهند.

رضایی‌پناه در بررسی مفهوم جماعت با طرح سوالاتی بیان کرد: آیا جماعت یک واحد تالیسی است یا خیر و مبنای تأسیس آن چیست؟ اگر جماعت تالیسی باشد، اراده و قدرت پشت آن چیست و چگونه این تأسیس شکل می‌گیرد؟ در صورتی که جماعت طبیعی باشد، باید به روندها و فرامسیون‌های اجتماعی توجه کرد؟

هیچ نسخه واحدی برای جماعت‌ها وجود ندارد

وی متذکر شد: هیچ نسخه واحدی برای جماعت‌ها وجود ندارد

جهدی‌های سوری؛ از تمرّد علیه حاکمیت تا تکاپو برای تکیه بر کرسی قدرت

بخش دوم

بلال سایمه، ترجمه: رامین حسین‌آبادیان



رسمیت شناخت، اما جامعه بین‌المللی هنوز هم منزوی ساختن آن را ترجیح می‌دهد و قصد ندارد با آن تعامل داشته باشد.

«طارق بقعونی» در کتاب خود تحت عنوان «مهار حماس؛ اوج‌گیری و افول مقاومت فلسطین» تأکید می‌کند: «علیرغم اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد، جنبش حماس را به عنوان یک گروه تروریستی شناسایی نکرده است، اما کشورهای غربی همچنان رویکرد امنیتی را در تعامل با این گروه در دستور کار خود قرار داده‌اند. آن‌ها هیچگاه حاضر نشدند با حماس به عنوان یک سازمان سیاسی تعامل کنند. پس از ۷ اکتبر نیز همین رویکرد در کشورهای غربی ادامه پیدا کرد و تشدید شد. بسیاری از کشورهای غربی هنوز هم ترجیح می‌دهند در قبال حماس رویکرد امنیتی داشته باشند.» وی در ادامه نیز آورده است: «کشورهایی نظیر انگلیس، ایالات متحده آمریکا و سوتیس قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که به موجب آن حماس یک سازمان تروریستی تلقی می‌شود. اینجاست که تناقض در رویکرد آن‌ها در قبال گروه‌های اسلامگرای سوری و فلسطینی آشکار می‌گردد.» تعامل آمریکا و کشورهای غربی با «هیئت تحریرالشام» در حالی است که این گروه همچنان در لیست تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد و همه کشورهای عضو موظفند به این لیست پایبند باشند. باید به این موضوع توجه داشت که نوع گرایش‌های سیاسی «هیئت تحریرالشام» و میزان تبعیت آن از کشورهای خارجی در حوزه سیاسی به ویژگی‌های مرحله حکمرانی آن در آینده بستگی دارد.

«دروون» در کتاب خود تنها به ارائه الگوی تحلیلی پیرامون سازماندهی داخلی و خارجی گروه‌های مسلح اسلامگرا اکتفا نمی‌کند، بلکه در فصل ششم و آخر کتاب به مسأله «سوریا و

آینده جهاد در آن» نیز می‌پردازد. هدف او در این فصل از کتاب، ارائه نگرشی نقادانه پیرامون تعامل کشورهای غربی با گروه‌های جهادی است. او معتقد است: «کشورهای غربی که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همواره به دنبال نابودی گروه‌های جهادی اسلامگرا بوده‌اند.» او نقد خود نسبت به رویکرد غرب در قبال گروه‌های جهادی اسلامگرا را در جغرافیای سوریه پیش می‌برد و نوع تعامل غرب با آن‌ها در این جغرافیا را با سیاست‌های از پیش اعلام‌شده‌شان در تناقض می‌بیند.

ملی‌سازی جهاد

تحلیلگر ارشد اندیشکده بین‌المللی «بحران» معتقد است که «بهار عربی» نقطه تحولی در مسیر گروه‌های جهادی اسلامگرا بود، زیرا زمینه برای تغییر اولویت‌های استراتژیک این گروه‌ها در جهان اسلام را فراهم آورد. او می‌گوید که کشته شدن «اسامه بن‌لادن» سرکرده شبکه «القاعده» در ماه می سال ۲۰۱۱ احتمالاً در فراهم کردن امکان تحول در اولویت‌های گروه‌های جهادی مؤثر بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد «دروون» فراموش کرده است که همین «بن‌لادن» اندکی پس از به راه افتادن «بهار عربی»، گفتمان‌ش را تغییر داد. این موضوع در کتاب «نیلی لحد» نویسنده و محقق اسلامگرا تحت عنوان «اسناد بن لادن» نمایان شد. از همین‌روی، بررسی تحولی که در بُعد ادراکی در نزد بسیاری از جوانان اسلامگرا به ویژه نسل پس از بهار عربی به وجود آمد، حائز اهمیت است.

شاید اصطلاح مناسب برای دسته‌بندی تغییر و تحولاتی که در مسیر «جولانی» و «هیئت تحریرالشام» رخ داد، اصطلاح «ملی‌سازی جهاد» باشد یعنی ملی جلوه دادن جهاد نه بین‌المللی کردن آن. این اتفاق از رهگذر اکتفاء به مبارزه در وطن و خودداری از فراخوان جهاد بین‌المللی، رخ می‌دهد. همین امر اصلی‌سازی جهاداً سبب شد که «جولانی» از شبکه «القاعده» جدا شده و به تأسیس جبهه «فتح الشام» با اولویت سوری، مبادرت ورزد و سپس به «تحریرالشام» برسد. او اکنون نیز در اندیشه انحلال «هیئت تحریرالشام» و ورود به عرصه حکمرانی در سوریه است. ملی‌سازی جهاد توسط جنبش‌ها و جریان‌های اسلام سیاسی در چارچوب اولویت‌های پروژه ملی، مسبوق به سابقه بوده است. به عنوان نمونه، می‌توان به جنبش مقاومت اسلامی «حماس» اشاره کرد. «دروون» و «پاتریک هاین» پژوهشگر حوزه گروه‌های اسلامگرا در سال ۲۰۲۱

«دروون» معتقد است که علیرغم اهمیت فهم تمایلات سیاسی جنبش‌های مسلح جهادی از طریق تمرکز بر مدل سازماندهی خارجی آن‌ها، لازم است که این جنبش‌ها و جریان‌ها در ساختار داخلی سوریه مورد بررسی قرار گیرند. به اعتقاد «دروون» فعالیت گروه‌ها، جریان‌ها و جنبش‌های اسلامگرا در سوریه در جریان انقلاب این کشور که امتدادی از «بهار عربی» بود افزایش پیدا کرد. این افزایش فعالیت‌ها همچنین امتداد تلاش‌ها برای مهار ایران و تضعیف نفوذ روسیه در سوریه بود. در سایه چنین شرایطی، فضای سیاسی مناسبی برای گروه‌های مسلح جهت رشد و پیشرفت فراهم شد، زیرا ائتلاف کشورهای غربی علیه نظام سوریه و متحدان ایرانی و روسی آن، نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در سیاسی کردن گروه‌های مسلح اسلامگرا ایفاء کرد. در این اوضاع، توپ در میدان گروه‌های مسلح سوریه - از ارتش آزاد گرفته تا داعش - بود که چگونه از فرصت پیش‌آمده استفاده کنند.

الگوی سازمان‌یافتگی و پیشرفت سیاسی که «دروون» در چارچوب تحولات سوریه مطرح می‌کند، برای شناخت تمایلات سیاسی گروه‌های مسلح اسلامگرا بسیار مهم است. برخی از این گروه‌ها خود سیاسی بودند و برخی دیگر نیز از ظرفیت روی آوردن به سیاست تحت حمایت کشورهای غربی برخوردار بودند. امروز نیز می‌بینیم که چگونه برخی کشورهای غربی از امکان حذف نام «هیئت تحریرالشام» از لیست گروه‌های تروریستی سخن می‌گویند. این اتفاق، در چارچوب مقاربت سیاسی میان دو طرف رخ می‌دهد. افزون بر این، اخیراً نیز پاداش ۱۰ میلیون دلاری نیز که برای ارائه اطلاعاتی از «الجولانی» قرار داده شده بود، لغو شد. این درحالی است که وی همچنان در لیست تروریسم شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد.

همانطور که پیشتر نیز اشاره کردیم، «جبهه النصره» گروهی است که «هیئت تحریر الشام» از بطن آن خارج شد. «جبهه النصره» نیز در جریان فعالیت‌های خود در سوریه در لیست گروه‌های تروریستی شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفت. شورای امنیت اعلام کرد که رابطه این گروه با گروه تروریستی «القاعده» مسجل شده است. از سوی دیگر، در سال ۲۰۱۳ نیز نام «ابو محمد الجولانی» در لیست تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفت. همچنین ایالات متحده آمریکا و شماری دیگر از کشورها از جمله کشورهای غربی «هیئت تحریرالشام» را در زمره گروه‌های تروریستی قلمداد کردند. لازم است در اینجا به این مسأله نیز اشاره شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ و در قطعنامه شماره ۲۲۵۴ مربوط به سوریه، یک بار دیگر گروه «جبهه النصره» را در زمره گروه‌های تروریستی توصیف کرد. در ماه ژوئیه سال ۲۰۲۴ نیز در گزارش کمیسیون مرتبط با دسته‌بندی گروه‌های تروریستی در شورای امنیت سازمان ملل متحد تأکید شد که «هیئت تحریرالشام» امتداد «جبهه النصره» محسوب شده و یک گروه تروریستی است. با تمامی این‌ها، امروز شاهد آن هستیم که بسیاری از مقامات غربی از امکان حذف نام «هیئت تحریرالشام» از لیست سیاه خبر می‌دهند. آن‌ها برای توجیه این اقدام خود، به سیاسی شدن «هیئت تحریرالشام» و تغییر رفتار آن استناد می‌کنند. بدیهی است که در صورت خط خوردن نام «هیئت تحریرالشام» از لیست تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، این اتفاق به منزله گام بزرگی در مسیر «سیاسی‌سازی هیئت تحریرالشام» و برقراری روابط کشورهای غربی با حاکمیت جدید در دمشق است.

اینجاست که رویکرد متناقض غرب در تعامل با گروه‌ها و جریان‌های اسلامگرا آشکار می‌شود. در سوریه شاهد آن هستیم که غرب به دنبال برقراری روابط سیاسی با حاکمیت جدید است اما در رابطه با سایر گروه‌های اسلامگرا چنین سیاستی را دنبال نمی‌کند. به عنوان مثال، در رابطه با «حماس» غرب سیاست منزوی ساختن این گروه مقاومتی را در پیش گرفته است. این اتفاق درحالی رخ می‌دهد که جنبش مقاومت اسلامی «حماس» از قدرت بسیار بالایی در سازماندهی داخلی و خارجی برخوردار بوده و پیشتر در سال ۲۰۰۶ توانسته است در انتخابات عمومی به پیروزی برسد. علیرغم اینکه این گروه در سال ۲۰۱۷ سند سیاسی جدید خود را منتشر کرد و مرزهای سال ۱۹۶۷ را به

موازنه قدرت

برعهده‌یمنی‌هاست

اصغر زارعی

تحول معادلات و موازنه قدرت در منطقه برعهده یمنی‌هاست

اصغر زارعی، کارشناس ارشد مسائل منطقه در مصاحبه با برنامه «مثنوی حماسه» رادیو مقاومت، درباره تحولات یمن اظهار کرد: شجاعت‌ها، دلاوری‌ها و مردانگی‌های مردم یمن باعث شد که هفت سال با محور ائتلاف عربی-عبری غربی مبارزه کنند و سرفراز و پیروزمندان بر این جبهه به پیروزی دست یابند.

وی افزود: مردم و جریان انقلابی در یمن، بعد از عملیات «طوفان‌الاقصی» نیز یک بار دیگر پای مردم مظلوم فلسطین ایستاد و با پایمردی و شجاعت و اقدامات خود به خوبی نشان داد که یک قدم به عقب نخواهد رفت. با وجود بمباران‌ها و حملات وحشیانه اتحادیه عربی-عبری و جنگنده‌های آمریکایی علیه این کشور اما ملت یمن تا زمانی که آتش‌بس در غزه برقرار نشود و مردم مظلوم غزه و فلسطین به آزادی نرسند از همراهی با مردم غزه دست نخواهد کشید.

کارشناس ارشد مسائل منطقه با اشاره به اینکه امروز بسیاری از منابع استراتژیک انرژی منطقه و پایگاه‌ها و مراکز رژیم تروریستی آمریکا (سنکام) زیر آتش یمنی‌هاست، گفت: یمن با هدف قرار دادن این مراکز می‌تواند جهنمی را برای نظام سلطه و آمریکا و متحدانش در منطقه ایجاد کند که قطعاً چنین شرایطی برای هیچ‌یک از کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا و متحدانش قابل تحمل نخواهد بود.

زارعی ادامه داد: تنها کافی است یمن چند موشک به سمت آرامکو و مراکز نفتی و مراکز حساس و استراتژیک جنوب خلیج فارس شلیک کند تا تمامی معادلات و موازنه قدرت در منطقه دچار تحول و دگرگونی شود. وی با بیان اینکه ملت یمن منطقه حیاتی و استراتژیک دریای سرخ و باب‌المندب را تحت کنترل و نظارت خود دارد، افزود: یمن هرگونه شنواری که به سمت بندرگاه‌ها و اسکله‌های رژیم جعلی صهیونیستی در حرکت باشد را متوقف می‌کند و همین مسئله باعث شده که خسارات بسیار جدی و جبران‌ناپذیری به اقتصاد رژیم صهیونیستی و حامیان و کشورهای متحد این رژیم وارد شود.

کارشناس ارشد مسائل منطقه خاطرنشان کرد: حضور گسترده و میلیونی مردم یمن در نماز جمعه هر هفته و اخیراً نمایش قدرت رزمی و تجهیزات و ظرفیت‌های دفاعی یمنی‌ها نشان داد که یمن امکانات بسیار جدیدی در اختیار دارد که اینک مقامات رژیم جعلی صهیونیستی نیز اعلام کردند هیچ‌گونه توانی برای مقابله با قدرت موشکی یمنی‌ها ندارند و هر شب میلیون‌ها نفر از شهرکنشینان اسرائیلی مجبورند زیر آتش یمنی‌ها به پناهگاه‌ها فرار کنند.

زارعی روحیه شهامت، سازش‌ناپذیری و تسلیم‌ناپذیری در برابر دشمن را اثربخش‌ترین حرکت شهید سردار حاج قاسم سلیمانی دانست و گفت: امروز به لطف خدا و شهادت سران این محور و پایمردی رزمندگان، یک گفتمان مقاومت در کل جهان شکل گرفته که محدود به جغرافیای جهان اسلام نیست.

پژوهش مشترکی را تحت عنوان «چگونه جهاد بین‌المللی یک بار دیگر محلی می‌شود؟» انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش از تبدیل جهاد بین‌المللی «فتح الشام» به جهاد محلی سخن می‌گویند. «دروون» در چند کتاب خود در زمینه جنبش‌های اسلام سیاسی، به نقش تحولات محلی و داخلی در بازسازی صفوف گروه‌های اسلامگرا اشاره می‌کند. تغییر و تحولی که در گروه‌های مسلح اسلامگرا رخ می‌دهد لزوماً در تغییر گفتمان و رفتار محدود و محصور نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است سیاست‌های این گروه‌ها نیز متناسب با اولویت‌های سیاست داخلی و ملی تغییر یابد. این مسأله امروز در گفتمان «احمد الشرع» و اولویت‌هایی که حاکمیت جدید در دمشق مطرح کرده است، قابل مشاهده است.

«دروون» مدل «سیاسی‌سازی» را به‌عنوان رویکردی برای مقابله با گروه‌های جهادی و ابزاری برای تأثیرگذاری بر این گروه‌ها و تغییر رفتار آن‌ها پیشنهاد می‌کند. او معتقد است که نباید با رویکرد امنیتی با گروه‌های مسلح اسلامگرا برخورد کرد؛ رویکردی که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با هدف مبارزه با تروریسم، تشدید شد. این تحلیلگر ارشد اندیشکده بین‌المللی «بحران»، کشورهای غربی را به عبرت گرفتن از سیاست‌های دو دهه پیش خود در تعامل با گروه‌های جهادی فرامی‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد که در این سیاست‌ها تجدیدنظر کنند. او تجربه شکست‌خورده تعامل غربی‌ها با گروه‌های اسلام سیاسی مانند «حماس» را مثال می‌زند؛ جنبشی که توانست در جریان انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ موفق به کسب پیروزی شود.

سیطره جنبش «طالبان» بر افغانستان و روی کار آمدن «هیئت تحریرالشام» در صحنه سیاسی سوریه، این فرصت را برای کشورهای غربی فراهم کرده است تا در نوع تعامل خود با گروه‌های مسلح اسلامگرا تجدیدنظر کنند؛ به ویژه اینکه امروز در سوریه تغییر و تحولاتی در گروه‌های جهادی اسلامگرا به وجود آمده است و الجولانی جبهه النصره که پیشتر با القاعده بیعت کرده بود، به احمد شرع تبدیل شده است؛ کسی که به دنبال مصلحت است و امروز با نماینده سازمان ملل و هیئت‌های بین‌المللی در کاخ ریاست‌جمهوری دمشق دیدار می‌کند. افزون‌براین، گروه‌های جهادی داخلی - درست مانند افغانستان و سوریه - توانمندی خود برای برقراری ثبات را نشان داده‌اند. همین امر سبب توقف مهاجرت و کوچ شهروندان این کشورها به مناطق دیگر می‌شود. این گروه‌ها همچنین آمادگی، قدرت و توانمندی خود برای مواجهه با تشکیلات افراطی نظیر تشکیلات داعش در سوریه و «داعش خراسان» را نشان داده‌اند؛ به ویژه اینکه امروز همه می‌دانیم که داعش تهدید امنیتی شماره یک تمام کشورهای غربی به شمار می‌رود. به هر ترتیب، علیرغم اینکه در حال حاضر فرصتی واقعی برای تغییر رویکرد نسبت به گروه‌های جهادی اسلامگرا وجود دارد، اما پیش‌بینی می‌شود که برخی منافع ژئوپلیتیک، خود را به روابط و مناسبات کشورهای غربی با گروه‌های اسلامگرا تحمیل کرده و موجب شوند که غربی‌ها در زمینه برقراری روابط سیاسی با برخی از این گروه‌ها سیاست‌گزینی و یا رویکرد امنیتی را در پیش گیرند.

بررسی سناریوهای آینده سوریه؛ از بازیگران پنهان تا گزینه تاریک تجزیه



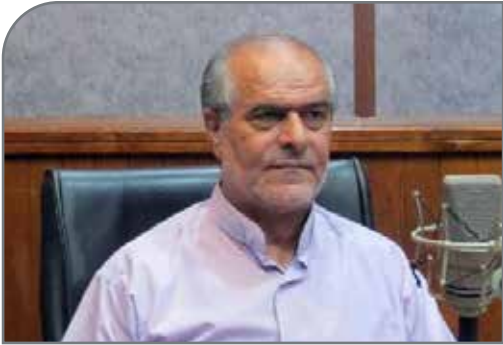
درد که در این قضیه دینفع بودند اما تمایلی به آشکار شدن نقش خود نداشتند. اتحادیه اروپا نخستین بازیگر دینفع و فعال در مسئله سوریه محسوب می‌شود که البته به صورت پنهان فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد.

فردوسی پور: سناریوهای احتمالی در قبال تحولات سوریه همگی عدم قطعیت دارند نمی‌توان به طور قطع و یقین درباره وقوع آنها سخن گفت. سناریوی بدخیم سوریه، تجزیه این کشور به چند پاره و همچنین ادامه تجاوزات رژیم صهیونیستی به داخل سوریه است که این کشور را در وضعیت بسیار بدی قرار می‌دهد.

نشست بررسی پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی سقوط دولت سوریه؛ جایگاه ایران در افق مقاومت دیروز یکشنبه شانزدهم دی ماه باحضور کارشناسان مسائل غرب آسیا در محل دانشگاه علمی کاربردی واحد ۱۴ تهران برگزار شد.

صفاتاج: سوریه در سال‌های گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای همسو و همراه جبهه مقاومت محسوب می‌شد و دشمنی اصلی با سوریه نیز در اثر همین سیاست‌ها به وجود آمده بود.

کوشکی: تحولاتی که در سوریه شاهد آن بودیم طراحان پنهانی



سیاست انزوای ایران توسط

امریکاشکست خورد

محمدرضا فرقانی

محمدرضا فرقانی در مصاحبه با برنامه رویداد با اشاره به دستاوردهای ورود ایران به بریکس اظهار کرد: بریکس سازمانی متشکل از ۵ کشور روسیه، چین، افریقای جنوبی، برزیل و هند است و این‌ها بنیان‌گذار این سازمان هستند.

بریکس اهدافی کاملاً اقتصادی دارد و در پی مقابله با حاکمیت مطلق دلار در صحنه مالی جهانی و اقتصادی است ولی متأسفانه دلار امروز به اهرم فشاری از سوی آمریکا تبدیل شده که علیه دیگر کشورها به کار بسته می‌شود.

وی با بیان اینکه آمریکا توسط دلار دیگر کشورها را در جهان تحت‌فشار می‌گذارد، خاطر نشان کرد: کشورها با از بین بردن سلطه دلار تلاش دارند با هماهنگی و یک سازمان جدید التاسیس و داشتن ارز مشترک غیردلاری، اقدام به مقابله با سیاست‌های اقتصادی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا کنند.

فرقانی به درخواست رادیو گفت‌وگو، به ارزیابی یک سال گذشته پس از عضویت ایران در بریکس پرداخت: اولین نتیجه و ثمره عضویت ایران در سازمان بریکس به عبور از سیاست تحمیلی آمریکا و متحدانش باز می‌گردد.

امریکا می‌خواست ایران را منزوی نشان دهد ولی با عضویت جمهوری اسلامی در این سازمان قوی و قدرتمند، تعداد اعضا به ۲۰ کشور رسید که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران کشوری منزوی نیست و از سوی دیگران مورد پذیرش و استقبال قرار می‌گیرد.

وی افزود: توانمندی جهانی اقتصاد و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران با داشتن منافع قوی نفت و گاز به توانمندی سازمان بریکس می‌افزاید و به حل مشکلات ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و ظالمانه آمریکا علیه ایران می‌انجامد.

تصویب اعتبارات بودجه‌ای برای

جلب اعتماد سرمایه‌گذاران انرژی

جلیل مختار

دکتر جلیل مختار سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره تکلیف انرژی در برنامه هفتم پیشرفت اظهار کرد: تکلیف تدوین اساسنامه‌های شرکت‌های تابعه وزارت نفت با اولویت شرکت ملی گاز جزو مواردی است که در برنامه هفتم پیشرفت در نظر گرفته شده است.

وی افزود: طرح اصلاح روابط مالی و ساختار صنعت نفت و گاز، تدوین طرح تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز و طرح توسعه دیپلماسی انرژی نیز از دیگر موارد اشاره شده در برنامه هفتم کشور است و تکالیفی هم به وزارت نفت داده شده است.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت: مهم‌ترین موضوع ناترازی در کشور ناترازی انرژی به دلیل کمبود سوخت نیروگاه‌ها و فرآورده‌های نفتی است که باید نقش سازنده‌ای را در تولید برق و انرژی در نیروگاه‌ها ایفا کنند.

مختار با بیان اینکه ما در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نسبت به برنامه‌های توسعه‌ای عقب هستیم اظهار کرد: طبق حکم بند «ب» ماده ۴۴ برنامه هفتم پیشرفت، مبنی بر افزایش ظرفیت تولید در پالایشگاه تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز، تهاوت نفت و ایجاد پالایشگاه‌های جدید در کشور، اگر دولت تکلیف خود را به‌درستی انجام دهد یقیناً در بخش ناترازی سوخت و تولید فرآورده‌های نفتی دچار مشکل نخواهیم شد.

وی خاطر نشان کرد: خوشبختانه اعتباراتی در بودجه دیده شده تا ضمن پرداخت مطالبات سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در این حوزه و بالا بردن میزان بهره‌وری و راندمان تولید در نیروگاه‌ها، اعتماد سرمایه‌گذاران در بخش تولید نیروگاهی نیز جلب شود.

۶ الزام اجرای ارز چندنرخی

ارز تک‌نرخی فعلاً ممکن نیست

ابتدا حکمرانی پول ملی را تقویت می‌کنند و مدیریت ریال را حاکم می‌سازند.

قاچاق را مهار می‌کنند. در اقتصادی که ۲۰ میلیارد دلار یا بیشتر قاچاق و واردات غیررسمی وجود دارد، بدهی است که نظام چندنرخی شکست خواهد خورد.

حساب سرمایه را کنترل می‌کنند، به‌عبارت دیگر، اجازه خروج سرمایه به‌راحتی داده نمی‌شود تا هر فردی نتواند از منابع کشور استفاده کند و سرمایه خود را از کشور خارج کند.

بر مصارف ارزی، نظارت هوشمند و سختگیرانه اعمال می‌شود. واردات را در قالب یک الگوی مشخص ساماندهی می‌کنند، نمی‌توان در شرایط تحریمی، واردات را به‌هر نحوی و بدون

چارت‌چوب انجام داد.

بر توزیع کالا در بازار نظارت هوشمند اعمال می‌کنند، این نظارت باید به‌صورت موثری انجام شود تا کالاهای وارداتی با شرایط مطلوب به دست مصرف‌کننده برسند و احتکار یا نگهداری قیمت‌ها به‌شکلی خارج از عرف رخ ندهد.

وی تأکید کرد: علاوه بر این موارد، الزامات دیگری همچون کنترل حساب سرمایه و تلاش برای کاهش کسری‌های تجاری نیز ضروری است. در مجموع، اجرای نظام چندنرخی نیازمند اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات است، در غیر این صورت، این نظام نه تنها ناکارآمد خواهد بود، بلکه به فاجعه و حیف‌ومیل منابع منجر می‌شود.

دولت چهاردهم همان مسیر گذشته را می‌رود/نظام ارزی همچنان سه‌نرخی است

شقایق با بیان اینکه دولت چهاردهم با آغاز به کار خود و با ادبیاتی مبتنی بر مقابله با رانت، فساد، خروج سرمایه و مسائل مشابه، نرخ سامانه نیما را کنار گذاشت، گفت: پس از عبور از سامانه نیما، این دولت نرخی را معرفی کرد که با عنوان نرخ توافقی شناخته می‌شود،

با این حال، در این مدل نیز همچنان الزامات مربوط به احاطه بر بازار آزاد رعایت نمی‌شود، به‌عنوان نمونه، در همین زمان که این سخن بیان می‌شود، نرخ توافقی حدود ۶۴ هزار و ۵۰۰ تومان است، در حالی که نرخ بازار آزاد به بالاتر از ۸۰ هزار تومان می‌رسد، در واقع، اختلافی حدود ۱۵ هزار تومان میان این دو نرخ وجود دارد، دلیل این اختلاف نیز همچنان این است که بانک مرکزی بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

وی ادامه داد: البته مقصود این نیست که کشور را کاملاً به بازار آزاد واگذار کنیم، باید به تفاوت شرایط تحریمی و شرایط عادی توجه داشت؛ این دو وضعیت، دو مقوله کاملاً متفاوت در تحلیل‌ها هستند. در شرایط تحریمی که احتمال تشدید آن نیز وجود دارد، نمی‌توان کشور را به نرخ بازار آزاد سپرد. اگر کسی در این زمان بگوید؛ «کشور باید به یک نرخ بازار آزاد واگذار شود»، این ایده به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش نخواهد بود،

همچنین، امکان تک‌نرخی شدن ارز نیز وجود ندارد. اگر دولت بخواهد به‌سمت تک‌نرخی شدن حرکت کند، این سیاست قطعاً با شکست مواجه خواهد شد؛ موضوعی که به‌روشنی قابل پیش‌بینی است.

۶ الزام مهم برای نظام چندنرخی ارز

این استاد دانشگاه با ابراز اینکه «در شرایط تحریمی، بنده به نظام دو یا سه‌نرخی معتقد هستم، اما به‌شرط آنکه الزامات چنین نظامی رعایت شود»، گفت: متأسفانه در کشور ما این الزامات رعایت نمی‌شود و همین امر موجب شکل‌گیری رانت می‌گردد.

در سطح جهانی، زمانی که قصد دارند نظام چندنرخی را اجرا کنند، الزامات زیر را به‌طور دقیق رعایت می‌کنند:

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

بازار آزاد را به‌رسمیت نمی‌شناسد.



وقوع آن تقریباً غیرممکن است. اگر از من الآن بپرسند؛ «شما در این شرایط چه‌نظامی را پیشنهاد می‌دهید؟»، خواهیم گفت که نظام دو یا سه‌نرخی ارز، مانند دوره‌های گذشته، ولی باز هم تأکید می‌کنم که بدون رعایت الزامات، حتی این نظام دو یا سه‌نرخی هم می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد.

شقایق گفت: در شرایط تحریمی، اگر به‌سمت تک‌نرخی شدن برویم، به این معنا است که باید به‌سمت بحث بازار آزاد حرکت کنیم، در حالی که شرایط آن قدر سخت است که نمی‌توان تک‌نرخی کرد و نمی‌توان بر بازار آزاد هم تکیه کرد، زیرا در این صورت باید دنبال اقتصاد بدوید، بنابراین، پیشنهاد به دولت چهاردهم این است؛ نظام چندنرخی را بپذیرید، ولی الزامات آن را رعایت کنید.

بحث بعدی این است که به بازار آزاد القایی مانند «تصنعی»، «تلگرامی» و «غیرواقعی» نسبت ندهید، این جملات دردی را دوانمی‌کند.

تقاضای ارزی ۴۰ میلیارد دلاری؛ چرا بازار آزاد ما را به‌دنبال خود می‌کشد؟

وی با بیان اینکه «مصارف ارزی ما باید در همان بازار آزاد حل و کنترل شود»، گفت: یعنی اگر نتوانیم قاچاق را کنترل کنیم، اساساً نمی‌توانیم بازار آزاد را هم کنترل کنیم. قاچاق یعنی بیش از ۲۰ میلیارد دلار تقاضای ارزی در بازار آزاد مصرف می‌شود، یا برای قاچاق، یا برای خروج سرمایه، یا پولشویی، یا تقاضاهای مازاد، یا حتی برخی افراد برای حفظ قدرت خرید خود ناچاراً به بازار آزاد می‌روند.

برخی دیگر نیز به‌دلیل مصارف ارزی زیادی که دارند، مانند خانواده‌هایی که در خارج از کشور دارند، تقاضای ارزی بالایی دارند. در مجموع، احتمالاً بیش از ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار تقاضای ارزی در بازار آزاد وجود دارد که اگر ما نتوانیم بر آن احاطه داشته باشیم، این تقاضا ما را به‌دنبال خود خواهد کشاند و باید دنبال آن نرخ بگردیم.

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: زمانی که می‌گوییم یک کانال نرخ ارز را تغییر می‌دهد، در حقیقت اقتدار مدیریت ارزی زیر سؤال می‌رود. ما باید بر تقاضای ارزی و مدیریت ارزی در کشور احاطه داشته باشیم، این کار بسیار سختی است و باید توجه داشت که سال‌هاست که نتوانسته‌ایم بر این بازار احاطه داشته باشیم.

بخش زیادی از اتفاقات فعلی یا آنچه در گذشته افتاده، نتیجه همین مسئله است و ما تسلیم بازار آزاد شده‌ایم، در حالی که من می‌گویم بازار آزاد وجود دارد، یعنی بیمار ما تب دارد و باید تب او را درمان کنیم، اگر من این را نپذیرم و بگویم که اصلاً تب ندارد، آن‌گاه بیمار دچار تشنج خواهد شد.

وعده‌های اقتصادی دولت: توهم یا واقعیت؟

دخالت کنیم.

— وعده برای برقراری عدالت: یکی دیگر از مسائلی که در میزگرد فرهنگی مورد اشاره رئیس‌جمهور منتخب قرار گرفت، موضوع عدالت بود. پژوهشگران در این برنامه با اشاره به اهمیت موضوع عدالت در جامعه این نکته را یادآوری می‌کنند که اگر ما بر اساس عدالت و انصاف با مردم برخورد می‌کردیم مردم از ما ناراضی نمی‌شدند.

— وعده‌ها درباره حل مشکلات موجود در حوزه زنان: موضوع و مسائل بانوان از موارد مهم دیگری بود که مسعود پژوهشگران درباره آن وعده‌هایی را داد. او در سومین مناظره دور اول ریاست‌جمهوری که با محوریت فرهنگ برگزار شد، با اشاره به نوع نگاه به بانوان در جامعه می‌گوید: «این نگاه که زنان جنسیت دوم هستند باید اصلاح شود. باید در عمل ثابت کنیم که به فکر آن‌ها هستیم. در خیلی مسائل قصور داریم و الان زمان رأی‌گیری این حرف‌ها را می‌زنیم؛ با زور و دستور و قانون رفتار عوض نمی‌شود. همان‌طور که در گذشته نتوانستند به زور حجاب را از سر زنان بردارند حالا هم با زور نمی‌توانند حجاب روی سر بگذارند.»

— وعده رئیس‌جمهور منتخب برای ایجاد وفاق ملی: پژوهشگران پس از پایان انتخابات، هم همدلی و وفاق ملی را مورد تأکید قرار می‌دهد و با اشاره به پایان انتخابات خطاب به مردم، می‌گوید: «تازه آغاز همراهی ماست. مسیر دشوار پیش رو جز با همراهی، همدلی و اعتماد شما هموار نخواهد شد.»

— وعده برای آزاد سازی قیمت خودرو: پژوهشگران در خصوص واردات خودرو هم در مناظره دوم تأکید می‌کنند: چرا نمی‌گذارید مردم خودشان خودرو به صورت آزاد وارد کنند؛ مردم خودشان دلار دارند. ما واردات خودرو را آزاد می‌کنیم و بازار باید قیمت‌ها را تنظیم کند. بازار خودش را تنظیم می‌کند، لازم نیست من

پزشکیان در دوره تبلیغات ریاست‌جمهوری خود، وعده‌هایی داد و نهایتاً نتوانست اعتماد مردم را به خود جلب کند. در ادامه به مرور برخی از وعده‌های انتخاباتی پزشکیان می‌پردازیم؛

— برنامه رئیس‌جمهور منتخب برای موضوع بنزین: یکی از وعده‌های نامزدهای انتخاباتی که به مقدار زیادی مورد توجه اذهان عمومی قرار گرفت بالا و پایین آوردن قیمت بنزین بود که در میزگردهای اقتصادی توسط کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری مورد بحث و بررسی قرار گرفت، بررسی اظهارات پزشکیان درباره موضوع بنزین نشان می‌دهد که او بیش از همه بر سیاست‌های غیرقیمتی بنزین تأکید دارد.

— وعده برای اجرای سیاست‌های کلی: پژوهشگران در مناظرات تلویزیونی و میزگردهایی که در ایام انتخابات برگزار شد، همواره بر اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب تأکید کرده است، پزشکیان همچنین تأکید می‌کند که مشکل این است که آن‌چه سیاست‌های کلی رهبری است را کنار می‌گذاریم و فقط حرف‌های خودمان را مطرح می‌کنیم.

— تأکید بر استفاده از کارشناسان: مسعود پژوهشگران طی روزهای گذشته و در ایام منتهی به انتخابات، بارها تأکید کرد که در مسائل مختلف کارشناس نیست و در هر حوزه از کارشناس همان حوزه استفاده خواهد کرد. او در یکی از اظهاراتش هم تأکید کرد که به‌کارگیری افراد را براساس شایستگی کارشناسی انجام خواهد داد.

یک اتفاق خوب سینمایی به نام «پروین»

احمد محمد تبریزی



علی حاتمی کارهای مهم و ماندگاری در سینمای ایران انجام داده که یکی از آنها، ساختن چند فیلم بیوگرافی از شخصیت‌های تاریخی به شمار می‌رود. حاتمی این فیلم‌ها را با حساسیت زیادی کارگردانی کرد و پس از او، ساختن پرتنهایی از زندگی شخصیت‌های سرشناس فرهنگی و سیاسی کمرنگ شد.

گمنامی شخصیت‌های فرهنگی در سینمای ایران

سینمای ایران در طول سال‌های اخیر از ضعف‌های اساسی در پرداختن به ژانرهای مختلف رنج برده است. در سینمای تک ژانر شده این روزها، فیلم‌های کم‌دی در گیشه حرف اول را می‌زنند، در کنارشان چند فیلم با سوزهای اجتماعی ساخته می‌شوند و دیگر خبری از ژانرهای جذاب سینمایی نیست. این بی‌توجهی ژنریک به سینما، تبعات بدی را به همراه دارد. همین باعث می‌شود فکر و ذهن سینماگران تنها به یک یا دو ژانر محدود شود و آنها از پرداختن به سوزهای دیگر عاجز بمانند. از عوامل نشان دهنده پویایی سینما در هر کشوری به همین تعدد ژانری فیلم‌ها و ساخته شدن فیلم‌های سینمایی با سوزهای متفاوت برمی‌گردد که قابلیت دربرگیری تعداد زیادی از مخاطبان را دارد.

اگرچه ژانر بیوگرافی به لطف سازمان‌های حاکمیتی تا حدودی جان گرفته و توانسته زندگی‌نامه تنی چند از فرماندهان دفاع مقدس را بر روی پرده سینما نشان بدهد، اما این قالب نتوانسته

از فضای دفاع مقدس فراتر برود و معرف خوبی برای چهره‌های ملی و فرهنگی کشور باشد. تلاش بر معرفی شخصیت‌های کم‌نام و نشان در سینمای کشورهای صاحب سبک، هر ساله تعدادی فیلم بیوگرافی ساخته می‌شود تا معرف خوبی از شخصیت‌های مهم و ملی‌شان باشد. بارزترین چهره‌ای که به تازگی پرتنه آن بر صفحه سینما نقش برداشت، شخصیت «وپنه‌ایمر» بود. این فیلم با کارگردانی کریستوفر نولان، بخش‌های مهمی از زندگی این فرد را نشان داد و بینندگان زیادی از سراسر جهان را با نام و فعالیت‌های او آشنا کرد.

در سینمای امریکا فقط به ساختن فیلم از چهره‌های سرشناس بسنده نمی‌کنند. فیلمسازان هالیوودی در میان اسناد و کتاب‌های تاریخی به دنبال شخصیت‌های نسبتاً معمولی می‌گردند تا با دراماتیزه کردن زندگی و سرنوشت‌شان، آنها را به تمام دنیا معرفی کنند. توجه به همین مسئله نشان می‌دهد آنها به درستی از قدرت سینما آگاهی دارند و از هر فرصتی برای برجسته کردن شخصیت‌هایشان استفاده می‌کنند.

برای نمونه مل گیسون در «سه تیغ هکسا» سراغ زندگی یک سرباز صلح‌طلب در زمان جنگ جهانی دوم رفت و دغدغه‌های صلح‌طلبانه او در قبال جنگ را نشان داد. یا تیم برتون با فیلم «چشم‌بان بزرگ» مخاطبان را با زندگی نقاشی بی‌نام و نشان آشنا می‌کند که اعتماد به نفس لازم برای معروف شدن را ندارد. یا در فیلم «تار» با چالش‌های پیش‌روی یک موزیسین آشنا می‌شویم.

فیلم‌هایی از این دست بسیاریند که نام بردن از همه آنها طولانی می‌شود. بخش زیادی از این فیلم‌های بیوگرافی به معرفی شخصیت‌هایی نه چندان معروف اختصاص دارند و سازندگان می‌خواهند با بیرون کشیدن این شخصیت‌ها از دل تاریخ، مفاخرشان در حوزه‌های مختلف را به همه نشان دهند.

انفعال برای معرفی شخصیت‌های سرشناس

کشور ما با پشتوانه غنی فرهنگی و ادبی، شخصیت‌های ممتاز



هالیوود می‌تواند به دوران قبل از کرونا برگردد؟

اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی ویروس کرونا گریبان‌گیر سراسر جهان شد و فعالیت‌های روزمره را تحت تأثیر قرار داد. گیشه سینما هم از این غافلگه جا نماند و قربانی کرونا شد. درآمد داخلی سینمای هالیوود پیش از کرونا حدود ۱۱ میلیارد دلار بود که با تعطیلی شدن سینماها به رقم ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسید. یعنی حدود ۹ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد.

در سال ۲۰۲۱ شرایط به مراتب بهتر شد و سالن‌های سینما با اعمال محدودیت‌هایی موفق شدند به کار خود ادامه دهند و درآمدی ۴ میلیاردی داشته باشند. این درآمد با رشد ۳ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۲ به رقم ۷ میلیارد دلار رسید.

سال ۲۰۲۳ با توجه به مبارزه با این بیماری، گیشه سینما رونق بیشتری گرفت و به درآمد ۹ میلیارد دلاری رسید. ۲۰۲۴ اما اولین سال پس از همه‌گیری بود که درآمد به سال گذشته بیشتر که نشد هیچ، کاهش هم پیدا کرد و درآمد ۸ میلیارد دلاری را برای سینماهای آمریکا رقم زد و عده‌ای این سقوط را به اعتصاب بازیگران و نویسندگان ربط می‌دادند.

حالا باید دید باتوجه به میان آمدن اسم‌های دی‌کاپریو و برد پیت به‌عنوان بازیگرانی که در سال ۲۰۲۵ فیلمی برای اکران دارند، می‌تواند این امیدواری را ایجاد کند که گیشه سینمای آمریکا در سال جدید به دوران پیش از کرونا بازگردد یا خیر.

شعر اعتبار و افتخار ایران است مهربان‌ترین دایه در شاهنامه



دیگر پسوند‌های انسانی است که وقتی این دو کنار هم می‌آیند هدف خاص نویسنده ترسیم می‌شود.

در ادامه نشست محمود اکرامی فر درباره رمان «می‌روم تا بمانم» گفت: این اثر نویسنده، نسبت به آثار قبلی‌اش بهتر است، محسوری حاصل تجربه دیگران و آگاهی‌های با واسطه را در مورد موضوع رمان خود به کار گرفته است.

وی افزود: او بر روی موضوعاتی چون جاذبه‌های مهاجرت‌پذیری و دافعه‌های مهاجر فرستی نوشته است و اسم کتاب هم همین است می‌روم که بمانم. داستان کشش دارد و از نثر روانی برخوردار است و درباره آدم‌هایی است که دائم در سفرند.

در عصری نیستیم که مخاطب به دنبال پیام بیاید

اکرامی فر ادامه داد: بزرگترین کتاب‌های ادبی جهان حتی در حوزه شعر، داستانی هستند و همچنین کتاب‌های مقدس ما ساختارهای داستانی دارند. چون داستان قالبی است که در آن فرصت شخصیت‌پردازی، تعلیق و اوج و فرود وجود دارد. در عصری نیستیم که مخاطب به دنبال پیام بیاید، پیام باید خود را به مخاطب برساند. مخاطب نمی‌تواند با مصائب امروز در سالن‌ها و مراسم حضور یابد. کلام را باید بالدار کنیم و سوار بر فضای مجازی به مخاطب برسانیم.

وی درباره کتاب «خاطرات پشت و انت» گفت: این کتاب در ترویج روحیه محافظه‌کاری است. نویسنده این کتاب را می‌شناسیم و جزو پرکارترین شاعران ادبیات نوجوان در حوزه شعر است.

اکرامی فر همچنین ویژگی مجموعه شعر «من صدای تو را می‌شناسم» سروده سارا صابر را در این مورد دانست: سرمایه شاعر، کلمه است و اگر به اختصار از کلمه استفاده کند از اقتصاد ادبی استفاده کرده است. صابر از این مولفه در اشعارش بهره برده است و در چارپاره‌ها موفق‌تر از غزل‌ها عمل کرده است.

محتوای کتاب به مثابه زمان انتشار

در بخش دیگری از این نشست حمیدرضا شکارسری گفت: یکی از موارد مهم در بررسی کتاب این است که گفتمان یک کتاب در زمانه حاضر چه نقشی دارد؟ به طور اخص، صحبت از فانتزی در شاهنامه چه فایده‌ای به مثابه زمان حاضر دارد؟ این کتاب با توجه به مانورهای تبلیغاتی که هالیوود در تحیل و سینما دارد به این نیاز توجه کرده است.

وی ادامه داد: همچنین در مجموعه شعر «گل‌وله‌ها بر شقیقه‌ام راه می‌روند» نویسنده به دنبال درازنویسی نیست، به کوتاه‌نویسی که عنصری به‌روز است روی آورده است. پیام ساده، صریح و کوتاهی که تأثیرگذاری دارد.

این شاعر و منتقد ادبی درباره مجموعه شعر «من صدای تو را می‌شناسم» نیز اشاره کرد: این کتاب در چند قالب شعری است؛ این تنوع قالبی سبب فرح خاطر مخاطب می‌شود. البته این خطر

را هم دارد که توجه مخاطب را می‌کاهد و به تفنن کاهش می‌دهد. همچنین دایره واژگان تازه‌ای دارد که رویکرد طنزآمیز را به وجود آورده است؛ یعنی در جایی که انتظار کلمه‌ای را نداری، اما به آن غافلگیر می‌شوی و این حس متبادر، دهنده حس طنز است.

این رمان تماماً زائیده ذهن من است

در بخش دیگری از این نشست فرح‌با محسوری درباره رمان خود گفت: موضوع جنگ و مهاجرت از موضوعات مهم و داغ این روزهاست. داستان کتاب من درباره دختری است که ناگزیر به مهاجرت می‌شود و مشکلاتی که پس از مهاجرت برایش در کشور بیگانه رخ می‌دهد.

نویسنده رمان «می‌روم تا بمانم» افزود: همه این کتاب تماماً زائیده ذهن من است و تصویرگر موقعیت دخترانی است که پس از مهاجرت است به بن‌بست می‌خورند. در این رمان به جنگ اوکراین پرداختم و سعی کردم به‌عنوان یک نویسنده زن از مخاطراتی بنویسم که یک زن با آنها روبروست.

ماجرای گره خوردن با مخاطب

حمید هرنجو نویسنده کتاب «خاطرات پشت و انت» نیز در این نشست گفت: در انتخاب اسم کتاب به دنبال عنوانی بودم که ضمن سوال‌برانگیز بودن، انتقال‌دهنده درستی از فضای داستان باشد. او با اشاره به اینکه مجموعه اشعار زیادی را در حوزه کودک و نوجوان تألیف کرده است، افزود: کتاب پیش‌رو دومین اثر داستانی من در حوزه کودک و نوجوان است. قلم من هرگاه به سمت مخاطب نوجوان می‌گردد رنگ و لعاب طنز می‌گیرد. این کتاب داستان سفر گوسفندانی است که داستان‌شان را در چند بخش روایت می‌کنند. هر بخش یک عنوان دارد مانند: دنیای گوسفندی، فرار گوسفندی، زندگی گوسفندی و...

نویسنده کتاب «خاطرات پشت و انت» ادامه داد: گوسفند‌های پشت و انت همیشه برای بچه‌ها جذاب هستند و صحنه ذبح و قربانی‌شان

زیادی برای ساختن فیلم از زندگی‌شان دارد که تا به حال کاری درباره‌شان صورت نگرفته است. متأسفانه سینمای ایران در زمینه پژوهش و نوشتن فیلمنامه‌های درست و غنی از این شخصیت‌ها به شدت منفعل و کم‌کار است و دغدغه‌ای در این باره ندارد.

این کم‌کاری حتی به معرفی شخصیت‌های معاصر هم برمی‌گردد. از زمان قاجار تا به امروز، شخصیت‌های بزرگی در حوزه‌های فرهنگی و علمی کارهای مهمی انجام داده‌اند که تا به حال به چشم سینماگران نیامده و آنها به راحتی از کنارشان عبور کرده‌اند. شخصیت‌هایی که اتفاقاً زندگی‌هایشان بار دراماتیک لازم برای ساخته شدن فیلم را دارند ولی نگاه به دور از آینده‌نگری مسئولان سینمایی و سینماگران، عاملی شده تا این شخصیت‌ها همچنان در دل تاریخ بمانند.

شخصیت «پروین اعتماسی» یکی از همین شخصیت‌هاست که در فیلم «پروین» به زندگی‌اش پرداخته شده و توانسته معرف خوبی از زندگی و هنر این شاعر باشد. کاری را که فیلم «پروین» در معرفی شخصیت این شاعر پرآوازه می‌کند ده‌ها کتاب نمی‌تواند انجام دهد. سینما مدیومی است که قابلیت آشنایی و اثرگذاری وسیع و گسترده روی طیف زیادی از مخاطبان را دارد و دقیقاً به خاطر همین کارکرد از اهمیت زیادی برخوردار است.

فیلم قابل قبول پروین

البته توجه به جزئیات در طراحی شخصیت و حساسیت روی ساخت و کیفیت فیلم عامل مهمی است که نباید به سادگی از کنارش رد شد. خوشبختانه فیلم «پروین» از زوایای مختلف فیلم محترم و قابل قبولی از زندگی پروین اعتماسی است که اکرانش موجب سرافکندگی نخواهد بود. حتی اگر مسئولان بنیاد فارابی کمر همت ببندند و به فکر پیشرفت سینمای ایران باشند، می‌توانند این فیلم را در کشورهایی مثل تاجیکستان و ازبکستان که اشتراکات زبانی و فرهنگی با ما دارند به اکران برسانند.

سینمای ایران باید از جایی این رخت‌خوار را از تن در بیاورد و سراغ پژوهش در تاریخ و نگارش فیلمنامه از شخصیت‌های سرشناس کشور برود. این نگاه کوتاه مدت به ژانر کم‌دی سینمای ایران را نجات نخواهد داد. تجربه تاریخی نشان داده فیلم‌های شاخص هر دوره‌ای هستند که در طول تاریخ ماندگار شده و به ویرترین و آبروی سینمای آن کشور تبدیل شده‌اند.

برای همه دردناک است. با این کتاب قصد داشتیم به گوسفند تشخص بدهم و تعریف تازه‌ای از گوسفند را در ذهن مخاطب جانمایی کنم. کتاب در حوزه طنز نوجوان کم است در حالی که شعر طنز و داستان طنز برای کودکان امروز خیلی گریاست و یکی از چالش‌های نوشتن برای کودک این است که باید مراقب باشیم محتوا به سمت تعریض‌های سیاسی، اجتماعی نرود. بحث ما گره خوردن با مخاطب است و امیدوارم که این کتاب مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد.

سیمرغ در شاهنامه، مهربان‌ترین دایه روی زمین است

در ادامه این نشست، علی‌اصغر صدیقی نویسنده کتاب «فانتزی در شاهنامه» گفت: موضوع این کتاب عنوان پژوهش پایان‌نامه من در مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات نمایشی است. دلیل انتخاب من در نگارش این کتاب، ریختن ترس‌ام از خواندن و رویارویی با شاهنامه بود همچنین می‌خواستم واکاوی کنم که در میان تخیل، فانتزی و واقعیت، شاهنامه در کدام گونه ادبی است؟

وی درباره سبک ادبی فانتزی گفت: به نظر من سبک ادبی فانتزی تشکیل شده از تک‌تک اعضای که در عالم واقع وجود دارند و زمانی که ما آنها را در کنار هم به‌صورت نمادین و سمبلیک به کار می‌گیریم، جمع اینها عالم فانتزی را شکل می‌دهند.

صدیقی اضافه کرد: دکتر قدمعلی سرامی در نشر این اثر کمک کننده بود. بنده مجموعه نوشته‌های نهایی خود را برای او بردم تا برای انتشار کسب اجازه کنم. البته برای کسب اجازه خدمت فریدون جنیدی هم رسیدیم. جنیدی معتقد بود که چطور جرئت کرده‌ام ادعای فانتزی بودن را به شاهنامه الصاق کنم در حالی که شاهنامه تاریخ کشور ایران است.

علی‌اصغر صدیقی با شاره به اینکه در کتاب خود عناصر شاهنامه را در قالب فانتزی بررسی کرده است، گفت: مثلاً سیمرغ را در شاهنامه مهربان‌ترین دایه روی زمین دیدم.

توسعه به سبک رضاشاه

رحیم نیکبخت- داوود هرمیداس باوند

آشنایی با مشاوره
پیش از ازدواج PMC

اگر برگزاری جلسات خواستگاری تحت اشراف و نظارت خانواده‌ها با رعایت چارچوب‌های شرعی، ضوابط عقلی و ملاحظات عرفی باشد و نیز از مشاوره پیش از ازدواج (Pmc) استفاده شود، این انتظار وجود دارد که دختر و پسر سریعاً به جمع بندی نهایی برسند و تکلیف خودشان را مشخص کنند، در این صورت دچار وابستگی عاطفی نخواهند شد و بهترین انتخاب را خواهند داشت.

علت ناپایداری بسیار از ازدواج‌ها اکتفاء به معیارهای سطحی و عدم بررسی همخوانی ویژگی‌های شخصیتی- روانشناختی، زیستی، نگرشی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی دختر و پسر با یکدیگر است.

مشاوره پیش از ازدواج (Pmc) این فرصت را برای دختر و پسر فراهم می‌آورد که با کمک و همراهی کارشناسان و متخصصان ازدواج در ازدواج انتخابی آگاهانه و بر اساس معیارها و ملاک‌های ازدواج داشته باشند.

ریسک ازدواج با مشاوره پیش از ازدواج (Pmc) به شدت پایین می‌آید و طبیعتاً میزان اختلافات زناشویی و شکست در ازدواج پایین خواهد بود.

امروزه با توجه به گسترش جوامع و پیدایش شهرهای بزرگ و پیچیده شدن شناخت افراد از یکدیگر، لزوم مشاوره پیش از ازدواج (Pmc) بیش از پیش آشکار می‌گردد تا لایه‌های پنهان شخصیتی افراد آشکار گردد و دختر و پسر با شناخت کامل و آگاهی از صحت و سلامت ازدواجشان تصمیم به ازدواج باهم بگیرند و درصد خطا را پایین بیاورند. البته مشاوره پیش از ازدواج علی‌رغم در نظر گرفتن پارامترهای ضروری که تحقیقات بسیاری در سطح جهان بر روی آن‌ها انجام گرفته فقط در حدود ۷۵٪ می‌تواند به پیش‌بینی موفقیت یک ازدواج حکم نماید و ۲۵٪ بقیه مربوط به رعایت مسائلی است که بعد از ازدواج می‌تواند در غنی‌سازی زندگی مشترک نقش جدی داشته باشد.

روال مشاوره پیش از ازدواج (Pmc) بدین گونه است که طرفین بعد از آشنایی‌های اولیه که با اطلاع و زیر نظر خانواده‌ها صورت می‌گیرد و معمولاً پنج شش جلسه به طول می‌انجامد به یک مشاوره که متخصص در امر مشاوره قبل از ازدواج است مراجعه می‌نمایند و ایشان با تسلط بر آیت‌هایی تعیین‌کننده‌ای چون تاریخچه خانوادگی طرفین و خاطرات دوران کودکی آن‌ها و گرفتن آزمون‌های کنترل و گلاس و ASS و یا سایر آزمون‌هایی که بومی شده برای ایران هستند و نیز همخوانی و همسانی نگرش‌های طرفین در مسائل مختلف اخلاقی، اجتماعی، باورهای دینی، سیاسی و غیره که در طی چندین جلسه انجام می‌گیرد نظر خود را راجع به ازدواج آن دو اعلام می‌کند.

بدین صورت که

۱. در حدود پانزده درصد از موارد می‌گوید این پسر و دختر علی‌رغم علاقه ظاهری که به هم دارند در صورت ازدواج باهمدیگر دچار مشکل خواهند شد و بعد از افت علایق احساسی و عاطفی به هم؛ وارد فاز درگیری‌های لفظی و احیاناً فیزیکی خواهند شد.
۲. در حدود پانزده و بیست درصد از موارد می‌گوید این دو با توجه به آیت‌های مختلف شخصیتی و خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی کاملاً به درد ازدواج باهم می‌خورند و بعد از ازدواج با مشکل جدی‌ای برنخواهند خورد.
۳. در حدود شصت هفتاد درصد از موارد می‌گوید این دو می‌توانند باهم ازدواج کنند به شرطی که فلان توصیه‌ها را به‌طور جدی در زندگی مدنظر داشته و فلان امور را رعایت کنند، مثلاً به پسر می‌گوید شما می‌توانید با این خانم ازدواج کنید، اما ایشان بسیار عاطفی و احساسی هستند و لذا اگر فردا از جنبه عاطفی محرومیتی را به وی تحمیل نمایم ممکن است بر سر سفره دیگری که از جهت عاطفی او را سیراب می‌کند، بنشینند و یا مثلاً به دختر می‌گوید دخترخانم ازدواج شما با این آقای پسر بلا مانع است، اما باید بدانید که او وابستگی زیادی به مادرش دارد لذا باید در این جهت با او مدارا نمایید.

خوشبختی و موفقیت شما را از خداوند بزرگ خواستاریم



و در مرحله بعد تحقیق پیدا کند و سرسلسله ایجاد توسعه در ایران یک نظامی بود، نظامی‌ای که بر روند توسعه مسلط شد و مشکلاتی در فرایند توسعه ایجاد کرد و اینکه بسترهای فرهنگی توسعه در کشور ایجاد نشد و یک خواسته معقول بدون اینکه بستر آن ایجاد شود و بعد قوه قهریه ایجاد شود تأثیر منفی خود را بر کشور می‌گذارد و به طور خاص، رضاخان نیروی نظامی ایلات را که در تاریخ مزداری ایران از مرزهای کشور دفاع می‌کردند از بین برد و این توسعه بدون بسترسازی انجام گرفت.

باوند در ادامه این نشست گفت: در ایجاد توسعه، بافت سیاسی و اجتماعی جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت، عشایر تشکیل‌دهنده نیروی نظامی ایران بودند و بخشی از بافت نیروی نظامی ما همین عشایر بودند و رضاخان با تخته‌قاچو کردن عشایر، این بافت تاریخی را از بین برد. این در حالی بود که در کشوری مثل پروس بیسمارک سعی کرد فئودالیسم را به وحدت ملی تبدیل کند و چون فئودال‌ها روحیه پرخاشگرانه داشتند و جنبه محلی داشتند، زمانی که بیسمارک آنها را وارد ارتش کرد، روحیه نظامی‌گری آن را به ارتش منتقل کرد.

وی سپس به تبیین علت ناکامی ارتش ایران در دوره رضاخان پرداخت و اضافه کرد: در جنگ جهانی اول زمانی که عثمانی‌ها از انگلستان شکست خورد، از روس‌ها خواستند که نیروی متحدی تشکیل دهند، به این ترتیب ایران اشغال شد. زمانی که ارتش روسیه با فنلاند وارد جنگ شد، این کشور ۳ میلیون جمعیت داشت و توانست هشت ماه روسیه را متوقف سازد، اما ۱۴۰ هزار نیروی ایرانی نتوانستند در جنگ جهانی دوم در مقابل نیروی متفقین مقاومت کنند.

وی افزود: ایران یک فرهنگ مشترک است که دیوانسالاران ایرانی سعی کردند تاریخ و فرهنگ ایران را حفظ کنند و ادبیات کلاسیک نیز به عنوان فرهنگ مشترک تلقی می‌شد، حتی زبان درباری عثمانی و هند زبان فارسی بود و ادبا و شعرا تاریخ را رهنمون می‌کردند.

نیکبخت در ادامه سخنانش گفت: هویت ایرانی یک حس مشترکی است که مردمی که در این جغرافیا زندگی می‌کردند چنین حسی داشتند ایران از حدود یک‌هزار سال پیش زبان مشترک کشور و اقوام مختلف بود و بررسی‌ها نشان می‌دهد هویت ایرانی در جنبش مشروطه فرهنگ‌آفرین بود و در آن دوره تلاش برای احیای شکوه ایران شکل گرفت. وقتی حکومت پهلوی مستقر شد، این هویت برکراتیک شد که بعدها افراط در آن شکل تفریط به خود گرفت.

وی افزود: تا قبل از دوره پهلوی هویت ایرانی با شاهنامه و گلستان سعدی و حافظ حفظ می‌شد، اما بعد از اینکه نظام آموزشی نوین در ایران شکل گرفت نتوانست این فرهنگ را منتقل کند و یک انقطاع تاریخی شکل گرفت.

وی افزود: زبان ملی آنقدر بدیعی بود که در قانون مشروطه به آن اشاره نشده است، اما نظام آموزشی ما نتوانست آن فرهنگ ملی را منتقل کند. (این نشست در کانون اندیشه جوان برگزار شده بود).

در این ۷۰ یا ۸۰ سال گذشته باید در مرحله مناسبی از نظر توسعه قرار می‌گرفتیم.

وی ادامه داد: ما دو موضوع را در مورد توسعه باید در نظر بگیریم اولی بسترسازی برای توسعه و مرحله بعد تحقق آن است. نگاه ما در دوره پس از جنگ‌های ایران و روس برای توسعه بیشتر نظامی بود پس نظامی‌ها بر فرآیند توسعه در ایران مسلط شدند که رضاشاه منشأ این جریان بود.

نیکبخت افزود: در مورد یکسان سازی و اتحاد لباس باید گفت

که بسترهای لازم برای این موضوع شکل نگرفته بود و مجری این نوع توسعه هم حکومت قهرآمیز پهلوی بود. لذا این مسئله بدون اینکه بستر آن فراهم شود، رضاشاه با قوه قهریه اعمال کرد.

رحیم نیکبخت گفت: هویت ایرانی در طول سیر خود به دوره مشروطه می‌رسد و تلاش‌هایی برای احیای عظمت ایران شکل می‌گیرد که در دوره مشروطه حجم زیادی از ادبیات ملی در مطبوعات شکل می‌گیرد. در دوره پهلوی یک انقطاع در سیر هویت ملی ما شکل می‌گیرد. نگاه ملی پس از دوره مشروطه تا دوره رضاخان به سوی یک باستان‌گرایی می‌رود.

وی ادامه داد: حکومت پهلوی یک نزاع ساختگی میان اسلام و ایران شکل داد. در دوره پهلوی دست و پای هویت ایرانی می‌شکند و جریان‌های رقیب مانند حزب توده و بهائیت و... شکل می‌گیرند. این تاریخ پژوه افزود: اقتصاد خصوصی در دوره رضاشاه به سمت دولتی شدن می‌رود و نظام‌روکراتیک برای اقتصاد تصمیم می‌گیرد. با توجه به سرکوب عشایر، تولید ملی با رکود مواجه می‌شود و تلفات زیادی به اقتصاد دامداری ما وارد می‌شود و عشایر دچار روحیه دولت ستیزی می‌شوند.

نیکبخت گفت: در دوره رضاشاه تلاش می‌شد یک توسعه همه‌گیر و فراگیر رخ دهد ولی بانی این توسعه نظامی‌ها بودند. یکی از عوامل ناکامی این توسعه سوءظن رضاشاه نسبت به اطرافیان خود بود. باید گفت بانی ایران نوین را باید کسانی مانند عباس میرزا، قائم مقام قراقرانی، امیرکبیر و... بدانیم نه رضاشاه.

وی در ادامه به بحث توسعه در ایران پرداخت و گفت: توسعه یکی از امور مهم در ایران است که در وضعیت کنونی ما نیز جاری است البته من بیشتر طرح مسأله می‌کنم تا به تعریف توسعه بپردازم اما برای ورود باید نخست تعریفی از توسعه ارائه دهیم و پی به این نکته ببریم که چقدر پیشرفت کردیم و توسعه ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد و توسعه خوب شامل توسعه سیاسی، اداری، نظامی، فرهنگی و اجتماعی است.

نیکبخت با طرح این پرسش که توسعه دوره رضاخان آیا توسعه آزمایشگاهی بوده است یا پایدار، گفت: از جمله مواردی که در حکومت پهلوی انجام شده شامل قانون نظام وظیفه، تقسیمات کشوری، ایجاد لباس متحدالشکل و کشف حجاب، مقابله با فرهنگ سنتی، سرکوب ایلات، توسعه راه‌ها است و با توجه به همه این عوامل اگر تعریفی از توسعه نداشته باشیم ممکن است دچار خطا شویم.

وی ادامه داد: توسعه را ساده‌انگارانه تلقی نکنیم متأسفانه بعد از توسعه‌ای که برخی معتقدند در دولت رضاخان انجام شد نظام بروکراتیک در ایران شکل گرفت و الان هم دچار آن هستیم و اگر توسعه در ایران به درستی پایه‌گذاری می‌شد الان به جایگاهی بهتری دست می‌یافتیم اما برخی‌ها به دنبال تمجید یک سلسله هستند که این یک بحث دیگر است.

■ حکومت پهلوی یک نزاع ساختگی میان اسلام و ایران شکل داد. در دوره پهلوی دست و پای هویت ایرانی می‌شکند.

نیکبخت گفت: در توسعه باید نخست مسیر مناسب فراهم شود

هرمیداس باوند در ابتدای نشست توسعه به سبک رضاشاه طی سخنانی اظهار داشت: اگر ما در گذر تاریخ نگاهی به دایره‌المعارف معتبر داشته باشیم در معرفی پنج شخصیت مانند کوروش، داریوش اول، شاپور اول، خسرو انوشیروان و شاه‌عباس به عنوان کبیر استفاده می‌شود، این شخصیت‌ها واقعاً در خور این جایگاه هستند و بیهوده نمی‌توان کسی را ملقب به این صفات کرد.

وی با اشاره به جنگ ایران و روس در قرن نوزدهم، گفت: ما در قرن نوزدهم متوجه فاصله نسبتاً دوری از تحولات جهان غرب داریم و با نظام استعماری و استبدادی روبه‌رو شدیم و دیوان‌سالاران ما می‌خواستند راه خروج از این وضعیت را پیش گیرند و یک نوسازی انجام دهند و خطمشی‌ای که امیرکبیر به عنوان اولین دیوان‌سالار انتخاب کرد ناتمام ماند و حتی ناصرالدین‌شاه در ملاقات با بیسمارک صدراعظم آلمان درخواست کرد که آلمان به عنوان کشور سوم وارد کشور شود اما چون با روسیه روابط داشت قبول نکرد و تنها قبول کرد دو کشتی به ایران بفروشد.

وی افزود: حتی ناصرالدین‌شاه نامه‌ای به آمریکا نوشته بود و ایران آن روز را توصیف کرد اما آمریکایی‌ها با این توجیه که ورود به ایران صرفه اقتصادی ندارد به ایران نیامدند. حتی در مشروطیت نیز حمایت انگلستان از مشروطه ابرازی بود و قبل از آن انگلستان به کمک روسیه ایران را به مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کرد. این در حالی بود که روسیه در ضعف قرار داشت و در سال ۱۹۰۴ از ژاپن شکست خورد.

باوند ادامه داد: قبل از انقلاب اکتبر روس‌ها تمام رویدادهایی که در ایران اتفاق می‌افتاد با توافق ایران و روسیه بود و بعد از انقلاب اکتبر توافق سری روسیه با ایران بر ملا شد و توافق انجام گرفت و در همان زمان لرد کرزن سعی کرد ایران را در طیف قرارداد استعماری جای دهد و در این قرارداد خط استراتژیک راه‌آهن تهران - شمال ایجاد شود. در این مقطع زمانی سازمانی به نام جامعه ملل ایجاد شد و به دلیل مخالفت آمریکا و فرانسه و جریان‌های ملی‌گرای داخلی مانند سید حسن مدرس، مؤید سوادکوهی، میرزا کوچک‌خان جنگلی و شیخ محمد خیابانی این قرارداد لغو شد.

این استاد دانشگاه گفت: یکی از دلایل لغو قرارداد ۱۹۱۹ استدلال حزب جمهوری‌خواه که در آن زمان در آمریکا قدرت داشت بود و استدلال این بود که این قرارداد مطابق خواست جامعه ملل نیست. گاهی اوقات ایجاد حکومت مقتدر مرکزی با اتفاقات منطقی و جهانی پیوند می‌خورد و با خواست استعماری هماهنگ است و به همین دلیل تصمیم گرفته شد که کودتای ۱۲۹۹ با همکاری سیدضیاء طباطبایی که یکی از طرفداران پر و پا قرص قرارداد ۱۹۱۹ بود و رضاخان انجام شد.

رحیم نیکبخت تاریخ‌پژوه از دیگر اساتید این نشست بود که طی سخنانی گفت: تعریف نوسازی و توسعه می‌تواند برای بررسی وضعیت ما راهگشا باشد. پس ما باید تعریف جامعی از توسعه داشته باشیم تا بتوانیم چقدر پیشرفت کرده‌ایم.

وی ادامه داد: توسعه ابعاد مختلفی دارد از جمله توسعه سیاسی، اداری، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... دارد. از این دست است که هر کدام را می‌توان مستقل در نظر گرفت و بررسی کرد. ما از دل این بحث جوابی برای نیاز امروز خود می‌خواهیم چراکه ما درگیر تبعات اتفاقاتی هستیم که در دوره رضاشاه رخ داد.

در معرفی پنج شخصیت مانند کوروش، داریوش اول، شاپور اول، خسرو انوشیروان و شاه‌عباس به عنوان کبیر استفاده می‌شود و بیهوده نمی‌توان کسی را ملقب به این صفات کرد.

این تاریخ پژوه افزود: از جنگ‌های ایران و روس به بعد که ما با شکست نظامی مواجه می‌شویم، نیاز به توسعه نظامی بیشتر مد نظر مدیران کشور قرار می‌گیرد. مسائلی مانند نظام آموزشی، راه آهن، اتحاد لباس، سرکوب عشایر و... که در حکومت رضاشاه رخ داد می‌تواند معیارهای خوبی برای ارزیابی وضعیت توسعه باشد.

نیکبخت گفت: اگر ما تعریفی از توسعه نداشته باشیم دچار افراط و تفریط می‌شویم. اگر توسعه در کشور ما بطور منطقی رخ می‌داد

چرا سیاست کشف حجاب شکست خورد؟

محمدعلی صدرشیرازی

محمدعلی صدرشیرازی در ارتباط تلفنی با برنامه رویداد رادیو گفت و گو؛ درباره سیاست کشف حجاب رضاخانی اظهار کرد: دلیل این واقعه یکی از کلیدی ترین سوالات برای مواجهه امروزی تمدن اسلامی و فرهنگ غربی است.

وی با اشاره به زنانی که در پی ماجرای کشف حجاب شهید شدند، گفت: این موضوعات افسانه نیست و تاریخ بارها به خود دیده است.

صدرشیرازی از سفر رضاشاه به ترکیه و تقلید از ترک‌ها سخن گفت و افزود: غربی‌ها نیز از دوره‌ای به بعد کشف حجاب را در کشورهای اروپایی آغاز کردند.

وی با اشاره به سیاست کشف حجاب و تاثیر آن در تاریخ معاصر

ایران گفت: یک بعد به مسائل اقتصادی باز می‌گردد که منجر به تعطیلی بسیاری مشاغل شد و در ادامه واردات بی رویه شکل گرفت.

البسه بومی از بین رفتن و منجر به نابودی بسیاری از مراکز تولیدی شد. مخبرالسلطنه هم اعلام کرد ۸۰ درصد زنان که تابع مد بودند، با مشکلات درآمدی برای پیروی از مد روبه‌رو شدند. صدرشیرازی تأکید کرد: از طرف دیگر و در پی کشف حجاب، فساد هم در کشور گسترش یافت.

وی افزود: سیاست رضا شاه در کشف حجاب آشکارا به شکست انجامید چراکه زنان ایستادگی کرده و بسیاری از آن‌ها سال‌ها خانه نشین شدند.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ | آگهی ها: ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



آشنایی با مشاوره پیش از ازدواج PMC

علت ناپایداری بسیار از ازدواجها اکتفاء به معیارهای سطحی و عدم بررسی همخوانی ویژگیهای شخصیتی - روانشناختی، زیستی، نگرشی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی دختر و پسر با یکدیگر است.

یک اتفاق خوب سینمایی به نام «پروین»

کاری را که فیلم «پروین» در معرفی شخصیت این شاعر بر آوازه می کند دهها کتاب نمی تواند انجام دهد. سینما مدیومی است که قابلیت آشنایی و اثرگذاری وسیع و گسترده روی طیف زیادی از مخاطبان را دارد و دقیقاً به خاطر همین کارکرد از اهمیت زیادی برخوردار است

۱

۷

شرکت توسعه از رویا پردازی تا واقعیت

فریدون حسن



وزیر ورزش گفت، رئیس فدراسیون نباید درگیر ساختوساز شود، اما گویا یادش رفته که همین حالا یک رئیس فدراسیون کنار گوشش در حال ساختوساز است تا ورزشکارانش مجبور نباشند به انتظار شرکت و توسعه و رسیدگی به اماکن ورزشی عمرشان را در خرابهها هدر دهند. دنیامالی گفت که اگر شرکت به وضعیت خانه کشتی و کمپ آن رسیدگی درست می کرد، علیرضا دبیر مجبور نبود خودش دست به کار شود. وزیر ورزش گفت که دیگر رؤسای فدراسیونها هم اگر می توانستند منتظر شرکت توسعه نمی ماندند. در نهایت اینکه شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به قول وزیر ورزش باید پیشتر کارهای مدرن باشد و ما امیدواریم که این رؤیای پردازی حداقل با درایت احمد دنیامالی به واقعیت تبدیل شود.

حرفهای وزیر ورزش در مجمع عمومی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، حرفهای قابل تأملی بود. حرفهایی که می شود از درون آنها وظیفه اصلی این شرکت را بیرون کشید، وظیفه ای که البته باید توجه داشت این شرکت طی تمام سالهایی که از ایجاد آن می گذرد، چندان به آنها عمل نکرده که اگر غیر از این بود، امروز با بحران ورزشگاهها مواجه نبودیم.

دنیامالی در حالی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی را جزء جدایی ناپذیر وزارت ورزش معرفی می کند که طی تمام این سالها هیچگاه دیده و شنیده نشده که وزارت ورزش از این شرکت بابت فرسوده شدن ورزشگاهها و وضعیت وخیم آنها پرس و جو کند یا اینکه خواهد با خاطبان اعمال کاریهای احتمالی برخوردی داشته باشد. لازم به ذکر نیست که در همین پایتخت و جلوی چشم تمام علاقه مندان به ورزش کشور ورزشگاههایی، چون شهید شیرودی، تختی، حیدرآباد، دستگردی و حتی آزادی و شهدای قدس به مرز تخریب رسیده اند و تازه این وضعیت پایتخت است و شما تصور کنید که در استانهای دیگر وضعیت از چه قرار است.

دنیامالی از انتظارات مردم هم صحبت کرد که به درستی توقع دارند فضاهای ورزشی همواره به روز باشد و البته این را هم اضافه کرد که باید بیشتر از گذشته وقت گذاشت و کار کرد. خب این دقیقاً همان مسئله مغفول مانده ای است که طی این سالها به آن توجه نشده است، یعنی وقت گذاشتن و کار کردن؛ اینکه صرفاً کلنگ نزد، اینکه پروژه های نیمه تمام را درست و به روز تکمیل کرد و اینکه به سرمایه های ملی موجود درست رسیدگی کرد تا شاهد تخریب شدنشان نباشیم.

هر کسی غیر از کریم را به پرسپولیس بیاورند اشتباه است



آل کثیر عادت کرده پنج موقعیت خراب کند تا یکی از آنها گل شود!

رحیم یوسفی پیشکسوت تیم پرسپولیس: در توپ گیری و حفظ توپ بسیار شاهد پیشرفت بودیم و خوب عمل کردند. همچنین فاصله هافبک و دفاع هم بسیار مناسب بود. از یک سوم دفاعی حریف فوتبالشان را بازی می کردند و از اشتباهات حریف استفاده می کردند؛ گل اولی هم که هوادار دریافت کرد، بخاطر اشتباهی بود که مرتکب شدند و علیپور از این موقعیت خیلی خوب استفاده کرد. در فوتبال فضا ندادن به حریف بسیار مهم است و نباید اجازه داد که حریف صاحب توپ شود و کاری بکند. اگر بازی ادامه پیدا می کرد، بیشتر هم گل می خوردند.

متأسفانه آل کثیر عادت دارد همیشه ۵ فرصت را از دست بدهد تا یکی از فرصتها گل شود.



خدا هرگز به تو ظلم نمی کند

بلکه خودت بر خویشتن ستم می کنی

سوره یونس آیه ۴۴

اولتیماتوم موسیما نه به سمیعی: این ۵ بازیکن را می خواهیم!

لیست ورودی موسیما شامل ۵ بازیکن در پستهای دفاعی و هجومی است که موسیما به تأکید کرده پس از بازگشت به ایران این ۵ بازیکن باید در تمرین آبیها حاضر باشند.

موسیما ابتدا به دنبال جذب حردانی بود اما پس از پیشنهاد اصفهانیها مبنی بر معاوضه حردانی با زکی پور، سرمربی آفریقایی آبیها به دلیل علاقه به بازی زکی پور مخالفت خود را با این انتقال اعلام کرد و مهدی تیکدری جایگزین حردانی در لیست موسیما شد.

در پست مدافع میانی موسیما اعتقاد به سلیمی و فلاح ندارد و عارف غلامی را در لیست خود قرار داده و باشگاه تراکتور پیشنهاد معاوضه غلامی با کوشکی را به آبیها داده است. غلامی مشکلی برای جدایی از تراکتور ندارد و اسکوپچی رضایت خود را اعلام کرده اما مالک باشگاه تراکتور در ازای غلامی از آبیها بازیکن می خواهد.

لطفی وینگر آلومینیوم، محمدرضا آزادی مهاجم العربیه امارات و جوئل کوچو ۳ بازیکن دیگری هستند که در لیست موسیما قرار دارند و سرمربی آبیها بلانکو و رمضانی را در لیست خروج قرار داده است.

اما مدیرعامل آبیها در این بین با گزینههایی چون مهران احمدی هافبک خیبر خرم آباد و محمدامین کاظمیان دیگر وینگر آلومینیوم اراک، نیز مذاکراتی داشته که در لیست اولیه موسیما قرار نداشتند.

جعل سند عصای دست برخی مدیران!

دنیا حیدری



محرومیتی متوجه باشگاه با مدیریت آن نشود.

اتفاقی که حالا یکبار دیگر تکرار شده است، این بار در پرونده نیل باهووی، هر چند که این بار باشگاه پرسپولیس محکوم شده، اما جعل سند، آن هم توسط مدیران چیزی نیست که به سادگی از کنار آن گذشت. جعلی که تا پیش از این شاید بازیکنان برای گرفتن معافیت سربازی از آن استفاده می کردند، اما حالا به عصای دست مدیران تبدیل شده است!

اتفاق فوق نبودیم! هفت، هشت سال قبل بود که طارمی راهی ریزه اسپور شد، اما بعد از ناامن شدن فضای ترکیه به واسطه کودتای صورت گرفته، این بازیکن بدون فسخ قرارداد به ایران برگشت و بار دیگر با پرسپولیس به توافق رسید. اتفاقی که شکایت ریزه اسپور به فیفا را به دنبال داشت. هر چند نهایتاً رئیس جمهور با همتای ترک خود رایزنی کرد که پرسپولیس جریمه هنگفتی پرداخت نکند، اما فیفا قانع نشد که پرسپولیس قبل از ریزه اسپور با طارمی قرارداد بسته و این باشگاه به اتهام عدم صداقت (پرونده سازی) جریمه شد، اما پرسپولیس هرگز از سوی نهادهای انضباطی داخلی مورد مؤاخذه قرار نگرفت.

دو سال قبل نیز هدایت ممبینی با شکایت از استقلال مدعی شد این باشگاه با جعل امضا با سربرگ فدراسیون، نامه ای به فیفا ارسال کرده تا مطالبات سایپنتو از محل درآمدهای این باشگاه در فدراسیون جهانی فوتبال پرداخت شود، اما در عین ناباوری در پی انتشار این خبر، مسئولان فدراسیون فوتبال به استقلال قول دادند با منتشر کنندگان نامه برخورد جدی شود و کار به جایی رسید که خطیر، مدیرعامل وقت استقلال در مصاحبه ای تند علیه ممبینی به او گفت آخرین بارت باشد که چنین کاری می کنی! در حالی که باشگاه استقلال باید بابت جعل محاکمه می شد، تمام ترکشها متوجه دبیر کل فدراسیون شد و دست آخر نیز گفته شد یکی از اعضای باشگاه استقلال به شکل خودجوش و خودسرانه اقدام به انجام چنین کاری کرده تا

از آنچه در فوتبال ایران دیده و شنیده می شود. درست مثل دلالت جماعت که تنها مختص فوتبال ایران نیست و در هر کجای دنیا می توان شاهد حضور آنها بود. دلالتهایی که شاید ظاهری شیک تر و اتوکشیده تر داشته باشند، اما ماهیت کارشان یک چیز است. می ماند مسئله مدیران نالایق و بی کفایتی که یکی از عوامل غیر قابل انکار فساد در فوتبال هستند. مدیرانی که حضورشان را می توان در اقصی نقاط دنیا دید، اما با یک تفاوت عمده؛ اینکه در فوتبال ایران نه فقط هیچ نظارتی بر عملکرد مدیران نیست که هیچ برخوردی هم با اشتباهات تأثیرگذار و کمر شکن آنها نمی شود و همین مسئله باعث مهیا شدن شرایط برای شیوع هر چه بیشتر و پیشرفته تر بساط فساد در این رشته محبوب می شود. حال آنکه در دنیا مدیران هر اندازه هم که بزرگ و اسم و رسم دار باشند، عملکردشان زیر ذره بین نظارت است و در صورت هر گونه اشتباهی سریعاً پای میز محاکمه کشیده و توبیخ می شوند. اما در ایران تا زمانی که بند و ماده مامشات، چشم پوشی و لاپوشانی وجود داشته باشد، کوچکترین گزندی متوجه مدیران ناکارآمد و بی کفایت نمی شود.

جعل سند پرسپولیس در پرونده نیل باهووی امروز در حالی تأیید شد که این راه را مسئولان ورزش کشور پیش پای مدیران بی کفایت فوتبال گذاشتند. شاید اگر هفت، هشت سال قبل که طارمی اقدام به جعل سند در خصوص پرونده طارمی کرده بود، برخوردی جدی با او صورت می گرفت، امروز شاهد تکرار

محکومیت پرسپولیس بابت جعل سند در خصوص پرونده نیل باهووی از سوی کمیته استیناف هم تأیید شد! جعلی که به واسطه مامشات مسئولان طی همین چند سال اخیر به لیست فسادهای فوتبال ایران اضافه شد، فسادگی که قرار بود ریشه کن شود، اما هر سال شاهد ابعاد تازه تری از آن هستیم!

ریشه کن کردن فساد در فوتبال به زعم بسیاری آرزویی محال است. تصویری که بی شک بعد از بی نتیجه ماندن پرونده ای که حدود ۱۰ سال قبل مجلس جمع آوری کرده بود بیش از هر زمان دیگری قوت گرفت، اما شاید دلیل اصلی ناکامی در مبارزه با فساد این است که نمی دانیم باید چطور و از کجا شروع کنیم. برخی عامل فساد را حضور دلالها در فوتبال می دانند. عده ای نیز روی کار آمدن مدیران نالایق و بی کفایتی که هیچ تخصصی جز هزینه کردن ندارند و فضا را برای جولان دلالها فراهم و مهیا می کنند. بسیاری نیز سرازیر شدن پول بی حساب و کتاب به فوتبال را عامل اصلی فساد می خوانند. پولی که بی تردید عامل اصلی حضور دلالهاست. بدون شک هریک از این موارد می تواند یکی از دلایل حائز اهمیت و غیر قابل انکار فساد در فوتبال باشد و مانعی برای برچیده شدن بساط آن، اما در واقع سرمنشأ تمام موارد مطرح شده چشم پوشی های بی منطق و مامشاتهای غیراصولی است.

خوب که نگاه کنیم، پول زیاد یکی از عوامل فساد در فوتبال محسوب و در تمام دنیا پرداخت می شود و گاه به مراتب بیش